

## جنگ جناحها و اختلاف در درون خط امام

اخیرا بار شد وحاد شدن اختلافات نیروها وجناحهای د رونی رژیم جمهوری اسلامی ، تضاد هاد راین مرحله ، خصوصیات وویژگیهای جدیدی د رابهمراه داشته است . د راین دوره نهنها تضاد بین طرفداران جناح خط امام وجناح حجتیه بازرگان اوج گرفته ، بلکه د ر درون جناح خط امام نیز تفرقه وشکاف ایجاد شد و اختلافاتی بروز نموده است . موج اختلافات د ر درون جناح خط امام د روی ابقای د و باره خامنه‌ای به ریاست جمهوری رژیم بود رطی انتخاب نخست وزیر و کابینه جدید ، بنحو بارزی هوید اگشت . موسسوی و بقیه د ر صفحه ۳

## "آزادی ایران در آستانه دومین سال"

قریب به ۲ سال است که از حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی میگذرد و مردم د ر مند ایران د ر جنگال رژیمی فاشیستی - مذهبی بایکی از دشوارترین وتلیخ‌ترین اد وارتاریخ خود مواجه هستند . متاسفانه اپوزیسیون ایران پس از گذشت این مدت هنوز د ر تشمت و سردرگمی و پراکندگی بسر میبرد و علی رغم مخالفت اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران با رژیم جمهوری اسلامی ، به علل گوناگون بسیار از جمله بعلت بقیه د ر صفحه ۲

### سخنی پیرامون مقاله جنگ ، آلترناتیوها ، ... نشریه "کمونیست"

د ر آخرین شماره "کمونیست" (شماره ۲۲)، ارگان مرکزی حزب کمونیست ایران سرقاله‌ای با عنوان "جنگ" ، "آلترناتیوها" ، "جنگ آلترناتیوها" بقلم آقای حبیب فرزاد درج گردیده است . مقاله فوق‌علا و مبرچند مورد متناقض ، د راری موضعگیریهای نادرست و اشتباه آمیزی د ر مورد جنگ ایران و عراق میباشد .  
بقیه د ر صفحه ۲۲

## جنگ و مواضع انحرافی "جمهوریخواهان ملی ایران"

همانگونه که خوانندگان عزیز نشریه "آزادی ایران" مطلع هستند ، د ر فترهما هنگ کنند ه جمهوریخواهان ملی ایران " پس از مدت‌ها د ر تاریخ فروردین ماه ۶۴ به رج اعلامیه‌ای د ر باره جنگ ایران و عراق میبرد از د . (نامه آزادیخواهان شماره ۴۴) اما ، از آنجائیکه اعلامیه حاوی مطالب ابهام آمیزی بود ، تصمیم گرفتیم با مطرح نمودن پرسشهایی که برای ما و بسیاری د یگرا از ایرانیان آزاد یخواه ، مترقی و ملی بوجود آمد و تردیدهایی را د ر باره نویسندگان اعلامیه برانگیختهمود ، از آنها بخواهیم تا با پاسخ خود د ر رفع ابهامات بکوشند . و نوشتیم بعلت حساس بودن مسئله تاد ریافت پاسخ و موضعگیریهای بعدی ... از هرگونه پیشداوری د ر باره اعلامیه خود داری مینمائیم . (آزادی ایران شماره ۷) تا اینکه آقایان نویسندگان اعلامیه د ر نوشته‌ای تحت عنوان "پاسخ به سوالات نشریه آزادی ایران" پرسشهای د هگانرا جواب داد و د ر عین حال د ریاسخ به پرسش هشتم مطرح د ر سوال پرد اختند . (نامه آزادیخواهان شماره ۵)  
بقیه د ر صفحه ۴

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی دشمن اصلی مردم ایران!

بقیه از صفحه ۱

## آزادی ایران در ...

فقدان يك آلت رناتیبوی واقعی ود موکراتیک رژیم همچنان ، بحیات خود ادامه میدهد . در این میان مانیز چون بسیاری از ایرانیان آزاد یخواه و مبارزی که پس از ۳۰ خرداد ۶۰ همزمان با تشدید خفقا<sup>ن</sup> و سرکوبها ، عرصه فعالیت و مبارزه مرعلیه رژیم را هر روز تنگتر میافتند ، با داشتن تجربیات مشخص و متفاوتی بالاخره مجبوره جلای وطن گشتیم و برپایه نتیجه گیریها و جمع بندی های گوناگون از تجربیات گذشته و فعالیتها یی که در محیطهای مختلف ( دانشگاهها ، مدارس ، کارخانهها و ... ) به همراه داشتیم ، تصمیم گرفتیم برای خروج از بن بست و ادامه مبارزه در شرایط آزاد و مساعد به خارج از کشور ، مهاجرت نمائیم تا بتوانیم از طریق مبارزات د مکراتیک در ایجاد تشکل سازماندهی نیروهای آزاد یخواه و مترقی نقش خود را ایفا کنیم .

ما میخواستیم با واقع بینی و آموختن از تجربیات تلخ گذشته ، در مسیر روشن و صحیحی گام برداریم . در این مسیر اعتقاد به اصول د مکراسی و آزادی و منافع مردم ایران همواره نقطه حرکتمان و سرلوحه برنامه هایمان بود هاست . ولی متأسفانه پس از سه سال پستی و بلندی و فعالیت با سازمانها و نیروهای که مدعی رهبری اند و با خود رانتها " آلت رناتیبود مکراتیک : میخوانند ، بسه نتیجه رسیدیم که " آواز دل شنیدن از دور خوش است . " برای افراد آزاد یخواه مترقی و مستقل که عمیقاً به اصول د مکراسی معتقد و پابیندند بجای برای فعالیت در بیسن گروهها و سازمانهای موجود ، وجود ندارد . و با مرور زمان در هر قدم و هر خورد بیشتر متوجه شدیم که بختانه ، روابط و ضوابط غیر مکراتیک و غلطی همه جا سایه افکنده

و مانع فعالیت و اتحاد آزاد یخواهان و مبارزان راستین میباشد .

در چنین شرایطی چه میبایست کرد ؟ آیا میبایست در رون تشکیلات ایسن سازمانها و گروهها ماند و تسلیم روابط غیر مکراتیک و انحصار طلبی ها گردید ؟ یا آنکه کنجی خرید و همسر سگوت بر لاسب نهاد ؟ ماهیچیک از دورا فوق را انتخاب نکردیم و تصمیم گرفتیم مصمانه و پیگیرانه در راه آزاد ی و د مکراسی برای خود ادامه دهیم بدین ترتیب با وجود گرایشات گوناگون بین دوستان و رفقا همگی با تکیه بر اصولی که به توافق رسیدیم ، تصمیم به انتشار آزادی ایران گرفتیم . اینک یکسال از عمر ایسن همکاری میگذرد .

ما در اولین شماره نشریه " آزادی ایران " اصول خود را تحت ۶ اصل زیر بیان نمودیم :

- ۱- رژیم جمهوری اسلامی دشمن اصلی مردم ایران است ، ۲- مبارزه برای د مکراسی
- ۳- اعتقاد به جدایی مذهب از سیاست
- ۴- اقصای سیاستهای جنگ طلبانه رژیم در جهت پایان جنگ و ایجاد صلح
- ۵- کوشش برای وحدت کلیه نیروهای آزاد یخواه
- ۶- دفاع از حقوق بشر و آزادی کلیه زندانیان سیاسی .

در این مسیر به رج مقالات گوناگونی از جمله ( وظیفه آزاد یخواهان ایران چیست ، پیرامون جنگ ایران و عراق ، دشمن اصلی مردم ایران کیست ، مشکلات اجرای د مکراسی و آزادی ایران ، درباره ماهیت ادغام بین سیاست ، حزب تود و هوشمار سرنگونی رژیم و ... ) برداخته ایم .

تشخیص و مطرح نمودن این اصل عمده و اساسی یعنی " رژیم جمهوری اسلامی دشمن اصلی مردم ایران است ، مورد توجه بسیاری قرار گرفته و در سطح وسیعی در بین اپوزیسیون مطرح شده هاست . صحت و درستی این اصل علی روز بروز بیشتر عیان میگردد . در این رابطه جد از انعکاس این شعار در

نشریات مختلف اپوزیسیون ، ما نامه های متعدد ی دریافت نمودیم که به رج برخی از آنان مبادرت ورزیدهایم .

در این نکته ضروریست که در شرایط کنونی و علی رغم چند دستگیهای موجود و پراکندگی که بر کل اپوزیسیون سایه افکنده است ، زمینه عملی تحقق شعار " آزاد یخواهان ایران متحد شوید " هنوز فراهم نگشته است و نمیتوان انتظار داشت که این وحدت يك شبه صورت پذیرد . و مسلماً تا نیل به این مقصود راه طولانی و دشواری در پیش است . ولی بطور یقین میتوان گفت که حل مشکلات عدید کنونی ، خواهی ، نخواهی در رگرتلاش و همت و همبستگی کلیه نیروهای آزاد یخواه ، ملی و د موکرات میباشد . زیرا هیچ سازمان و گروهی به تنهایی نمیتواند از عهد حل مشکلات بیسما رکنونی برآید و در نهایت با تشکل و اتحاد نیروهای ملی ، مترقی و آزاد یخواهان راستین است که سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی جامه عمل خواهد پوشید .

در یکسال گذشته ما در عین حال که طی مقالاتی به مسط نظراتمان برداخته ایم ، با برخورد به خطوط فکری و نظرات گوناگون نیروهای مختلف مخالف رژیم نیز موضع گیری نمودهایم . در ضمن با حضور فعال در جلسا مختلف و ارائه گزارشات گوناگون سعی کردهایم با تکیه بر اصل د مکراسی به انعکاس واقعی نظرات گوناگون مطرح شد صبر ازیم و نظرات مختلف و مخالف را در معرض دید خوانندگان گرامی قرار دهیم .

در طی یکسال گذشته نشریه " آزادی ایران " با اتکاء و همت گردانندگان آن و برخی از دوستان و علاقمندان آزاد یخواه و مترقی به حیات خود ادامه داده است . در این مسیر علی رغم مشکلات مالی فراوان و عدم امکانات و محدودیت های بسیار سعی کردهایم از حد اقل امکانات حد اکثر استفاده بقیه در صفحه ۱

# جنگ جناحها و اختلاف در درون خط امام

خامنه‌ای که هر دو از رهبران جناح خط امام میباشند، در این مرحله هر دو روی یکدیگر قرار گرفتند و موج حملات و هتاک‌های از سوی موافقین و مخالفین در طرف بالا گرفت.

در ضمن جناح حجتیه که دارای اختلافات شدیدی با جناح خط امام میباشد، در طی انتخاب نخست وزیر و هیئت دولت از فرصت استفاده نکرد و در جهت ضربه زدن به حریف به میدان آمد و سعی نمود با ظرافت از اختلافات درونی جناح خط امام در جهت منافع خویش بهره‌جوید. اما جناح خط امام با برخورداری از قدرت و نفوذ فراوان در درون حاکمیت و درست داشتن اکثر ارگانها و اهرمهای اجرایی، بلافاصله با بسیج نیروهای خویش و حمایت شخصی خمینی توانست بار دیگر - علیرغم مخالفتها حجتیه - بر اوضاع مسلط گردد.

برخی از رهبران رژیم که بعد نیال حادث شدن تضادها مطرح شدند آن در سطح عمومی به وحشت افتاد بودند، تمام تلاشهایشان را در جهت سرپوش کردن بر اختلافات و "حل موقتی" آن بکار بردند و به بهانه‌های گوناگون و تحت عناوین مختلف از جمله "خطر شکست انقلاب"، "داشتن موقعیت بحرانی"، "حفظ وحدت کلمه" و... سعی نمودند اختلافات را محدود و نرمال کنند.

البته در اینجا باید خاطر نشان ساخت که جناح درونی رژیم علیرغم داشتن اختلافات و تضادهای بسیار و جنگ وجدال بایکدیگر بعلاوه در ابرودن منافع ضد مردمی و ضد دموکراتیک مشترک، تاکنون نتوانسته‌اند وحدت خویش را تحت عنوان "دفاع از اسلام" و "دفاع از انقلاب اسلامی" حفظ نمایند.

جناحهای درونی رژیم اسلامی در

هر مرحله مانند سگان هار یکدیگر را مورد حمله قرار میدهند و وحدت موقتی آنان تنها بر اساس غارت، سرکوب و کشتار مردم انجام میپذیرد. به همین دلیل درگیریهای جناحهای جناحی که رژیم هر از گاهی بروز میکند، اما هم‌اکنون نکته قابل توجه این است که درون جناح خط امام و در سطح رهبری آن شکاف ایجاد شده است. برای روشن شدن امر در ذیل بطور مختصر وضعیت جناحهای درونی را بررسی نمود و سپس به حادث شدن تضادهای درونی رژیم نظری می‌افکنیم:

با در نظر گرفتن موضعگیریهای سیاسی و روابط رهبران و مسئولان رژیم، وضعیت جناحهای درونی آن بدین قرار میباشد:

۱ - جناح خط امام ۲ - جناح حجتیه و نهضت آزادی. البته در جناح فوق طیفهای گوناگونی را شامل میگردند. اما بطور کلی جناح خط امام شامل نیروهای هستند که مواضعشان در رابطه با جنگ، دولتی کردن بازرگانی خارجی، مبارزه با "تروریستهای اقتصادی"، بخش خصوصی قانون اصلاحات زمینهای مزروعی، ضبط اموال سرمایه‌داران، حمایت شدید از کشورهای جبهه‌پایدار، تلاش برای نزدیکی به اتحاد شوروی، کشورهای اروپای شرقی، کوبا و نیکارا گوئه، صدور انقلاب اسلامی و... بایکدیگر هماهنگتر و نزدیکتر میباشد. اما در مقابل، جناح حجتیه و نهضت آزادی - علی‌رغم داشتن اختلافات فرعی - طیفی را در بر میگیرد که در رابطه با مسائل مشخص فوق (جنگ، دولتی کردن بازرگانی خارجی و...) مواضع مخالف با جناح خط امام را در می‌یابند.

نیروهای طرفدار خط امام در این مدت توانسته‌اند تحت نظر تشویر سیستم ای‌زید با برنامه‌های پیچیده و منظم، مرحله به مرحله نیروهای مخالف خویش را از حاکمیت کنار زد و قدرت خویش را مستحکم نمایند. در صورتیکه جناح رقیب که وابسته به فرب میباشد روز به روز و هر چه بیشتر از مواضع خویش عقب راند شد و وضعیت ترگشته است.

جناح خط امام در جریان تاتی از قبیل اشغال سفارت آمریکا، سقوط دولت بازرگان، عزل بنی‌صدر از ریاست جمهوری، تعطیل روزنامه‌ها، تعطیل روزنامه میزان، سرکوب جناح حجتیه و نهضت آزادی، تعطیل دفتر حجتیه و... نقش موثری را ایفا نمود و موفق گردید در رهبری از این مراحل ضریات شدیدی را به جناح رقیب وارد آورد. طرفداران جناح حجتیه نیز در جریان تاتی از قبیل دستگیری رهبران حزب توده، سوءجست و نوک حملات شدید خود را متوجه حریف نمودند.

از غنا و نیروهای برجسته در جناح خط امام میتوان میرحسین موسوی نخست‌وزیر رژیم، موسوی خوئینی‌ها، رفسنجانی، خامنه‌ای و بطور کلی اکثریت هیئت وزرا و بسیاری از نمایندگان مجلس را نام برد. در حالیکه مهدوی‌کنی، بازرگان و اعضای نهضت آزادی، ناطق‌نوری، آذری قوی و... را میتوان جز جناح دیگر محسوب نمود.

البته در رابطه با وضعیت جناحهای درونی رژیم در محافل گوناگون از جمله در نشریات اپوزیسیون و... نظرات مختلف و ضد و نقیضی مطرح گشته است. برخی بدو توجه به واقعیات موجود، به جای آگرایش عمدی، از وجود ۳، ۴ و یا جناحهای بیشمار بقیه در صفحه ۱۰

بقیه از صفحه ۱

## جنگ و مواضع انحرافی

"جمهوریخواهان ملی ایران"

و همچنین در همان شماره در همین اعلامیه خود را در باره جنگ درج نمودند. برای اطلاع خوانندگان عزیز پرسشهای نشریه "آزادی ایران" و پاسخ "جمهوریخواهان ملی"، عیناً در صفحه ۱۹ آورده میشود.

قبل از بررسی و تکلیف در جوابهای آقایان پاسخ دهند و تذکر و نکته ضروری بنظر میرسد: خوشبختانه با وجود کمبود هوا و کاستی های فراوان در رین اپوزیسیون، ما در شرایطی بسر میبریم که عمر شعارهای توخالی، ابهام گوئی ها و کلی گوئی های بسرا آمدن و مرد مپتابه ما رگزید های که از زریسمان سیاه و سفید میترسد، کلیه مواضع و برخورد های مطرح شد و نیروهای سیاسی را با بدقت و وسواس خاصی مورد بررسی و تعمق قرار میدهند و کمتر فریب تهمتها در روغها و موافقیهای گوناگون را میخورند. مرد ما این روزها بسا صراحت از کلیه آن کسانی که در اعیه رهبری و روشنفکری دارند، میخواهند دست از کلی گوئی ها و انشا نویسیهای متد اول در باره آزادی، مکرسی، استقلال و قوانین حقوق بشر برداشته و بطور روشن در باره مسایل مشخص و عمدتاً ایران موضعگیری کنند. بسا در نظر گرفتن این امر جواب آقایان پاسخ دهند به پرسشهای در هنگام مطرح شد همسایه ریموقع و بجای بود هاست. در باره نکته دوم باید گفت: جای بسی تاسف و تحیر فراوان میباشد که بهر خلاف ارسال نامه های مکرر و اظهار علاقه و پیشنهاد به همکاری و وحدت از جانب برخی از دستاورد و ستان امضا کنند میانیمشان نزد هم آن راه ۶۲ جمهوریخواهان ملی ایران با نشریه "آزادی ایران"، آقایان پاسخ دهند چگونه ای دیگر ما برخورد نمود هاند. آنان با کمال بی انصافی در پاسخ به پرسشهای ما، کلیه گروهها، افراد و شخصیتهایی که رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی را مسئول جنگ ایران و عراق وادامه آن میدانند را عامل و علت عراق خواند هاند. آقایان نویسندگان مسئول جوابها در رجائی دیگر بارانیز از این فراتر گذارد و با تعصبی خاص و شیوه های آشنا اما منسوخ و بر ملا شد و ما و کلیه آن نیروها، افراد و شخصیتهایی که معتقدند دشمن اصلی مرد ما ایران ر. ج. ۱۰ است رابه "محاکمه" کشاند و با تازیانه تهمت و افترا و ایستهمه عراق و عامل خارجی قلمداد نمود هاند. هدف آقایان از این تهمتها و مرجسبها اینست که مرد موعوب شوند و بهر اسند تا دیگر کسی جرات نکند بگوید: دشمن اصلی مرد ما ایران

ر. ج. ۱۰ است. حال ما از خوانندگان عزیز و کلیه آن نیروهای که به مکرسی اعتقاد دارند میپرسیم چگونه و با چه روشی میتوان با این قبیل آقایان به بحث و گفتگوی مکرانیک پرداخت؟

برخی از دستاورد و ستان ابراز نمودند: کسانی که با شمشیر چوبیسن افترا و دروغ به میدان میایند را باید بحال خود گذارد تا مانسند همگنان و همکیشان خود در رهنگامرو بروشدن با واقعیتها، نتیجه اعمال و برخورد های خود را ببینند و از پای در آیند. اما ما عمیقاً معتقدیم که باید با برخورد های ضد مکرانیک در رون اپوزیسیون پراکند و نا همگون در هر شکل و صورتی به مبارزه ای جدی، سخت طولانی و همه جانبه دست یازید. زیرا تنها از این راه است که میتوان در راه ایجاد مکرسی و آزادی ایران بر علیه ر. ج. ۱۰ قدمی فراتر گذارد. بعلافت فوق و همچنین برای عیان نمودن و روشن کردن برخی از نقطه های تاریک و ابهام انگیز جنگ ایران و عراق - بمشابه یکی از مسائل و معضلات اساسی و عمدتاً جامعه ایران - ما به بررسی جوابها و مواضع پاسخ دهندگان میپردازیم و جواب صحیح را ارائه میدهم:

### درباره پرسش اول:

ر. ج. ۱۰ بعنوان یک رژیم مذهمی - فاشیستی و جنگ طلب از همان روز اول بدین سبب بوجود آمد تا بتواند با بمبند کشیدن ملت ایران، کشوری را ویران کند و در جهت تجا و زوتعدی و دخالت در امور داخلی کشورهای منطقه مورد استفاد قرار گیرد. ر. ج. ۱۰ مانند رژیم آلمان هیتلری ذاتاً جنگ طلب و تجا و زکار است و حیات وی بستگی به سرکوب مرد ما ایران در داخل کشور و ایجاد بی ثباتی و آشوب و تجا و ز در خارج از مرزهای ایران دارد. به همین دلیل است که ر. ج. ۱۰ از همان ابتدا با مطرح کردن شعار "صد و انقلاب اسلامی" مصمب بود هاست تا "انقلاب اسلامی" رابه کشورهای عراق، عربستان سعودی، کویت امارات متحد عربی، اردن، مصر، اسرائیل و ... صادر کند. رژیم اسلامی بطور فعال گروههای تروریستی را آموزش میدهد تا بتواند در کشورهای منطقه، از طریق اقدامات تروریستی زمینه آشوب و بحران را فراهم آورد و انقلاب اسلامی خود را صادر کند. رهبران رژیم اسلامی بارها بطور علنی و روشن از اهدا خود در جهت اسلامی کردن منطقه سخن راند هاند. آنان با توجه به موقعیت کشورهای همسایه، عراق را بعنوان ضعیفترین و مناسبترین نقطه برای "صد و انقلاب اسلامی" در نظر گرفتند. بنابراین ر. ج. ۱۰ مدتها پیش از آغاز جنگ سرنگونی دولت عراق را جزیره برنامه خود قرار داد. البته هدف اصلی ر. ج. ۱۰ در این امر نهفته بود که با تحریک عراق وی را وادار به حمله و تجا و زعلنی کند.



## جنگ و مواضع انحرافی ...

رژیم رشرایطی تحریکات علفی خود را علیه عراق تشدید نمود که در اخذ ایران مواجها موج اعتصابات کارگری و مبارزات وسیع مردم ایران از جمله دانشجویان، دانش آموزان، کارمندان و دهقانان شد. و بارش این مبارزات موقعیت سیاسی خود را در خطر میدید. بنابراین با حمله و تجاوز نظامی عراق به خاک ایران و ولت عراق در ادامه گسترده در ۱۰ بهر غلطید و عملاً مسئله اصلی ایران بصورت "جنگ میهنی" درآمد که رهبران و شعورسینهای کارکشته رژیم آرزوی به وقوع پیوستن آنرا از مدت های پیش در سر می پروراندند.

متأسفانه، آقایان نویسنده گار پاسخ در هند میدون توجه به این واقعیتها و مسایل اساسی و ماهیت واقعی رژیم اسلامی، با اتخاذ مواضع غلط در مورد زمینه ایجاد جنگ ایران و عراق، خود را در موقعیتی قرار میدهند که نتیجتاً مجبور میشوند به دفاع و خونخواهی از ۱۰ بهر خیزند. و همان سخنان را در جهت "دفاع از میهن" و جلوگیری از "تجدید ماجرای قادیسیه" ابراز کنند که شعورسینهای رژیم تحت نام "بیروان خط امام" به تبلیغ و بیاد کردن آن در جامعه ایران پرداخته اند.

### درباره پرسش دوم:

آقایان پاسخ در هند در مورد پرسش در و نیز بجای جواب روشن و مشخص در ادامه تبلیغات خود در حمایت از ۱۰ مینویسند: "رژیم استبدادی عراق و رهبر خود خواه و خود بزرگ بین قدرت طلب آن صد ام حسین که در کشور خود با مشکلات سیاسی و اجتماعی فراوان روبرو بود، مانند اکثریت قریب به اتفاق رژیمهای دیکتاتوری تصور میکرد با حمله نظامی به ایران (ایران که قدرت نظامی و ارتش آن تا حد زیادی مضمحل شد و بود و لنتش با هزارویک مشکل ریز و درشت ... دست به گریبان بود) - براساسی آقایان پاسخیخ در هند متوجه اند از برای دولت ایران آقای خمینی دل میسوزانند؟ - و باید دست آوردن یک پیروزی نظامی آسان و سریع، هم مشکلات داخلی خود را تحت الشعاع قرار دهد و هم موقعیت سیاسی و اقتصادی و اهمیت و اعتبار دیپلماتیک بزرگی نصیب شود." حال توجه خوانندگان عزیز را به یک موضعگیری جالب دیگر در همین زمینه جلب میکنیم:

"... در منطقه آن حاکم جا طلب، تند خو و فانی که مناسب برای آتش افروزی جنگ با جمهوری اسلامی باشد صد ام حاکم فعلی رژیم عراق بود که کاملاً استعداد آتش افروزی را و بود، بسرای اینکه میترسید این انقلاب به عراق سرایت کند... که این برای رژیم

او خطرناک بود و علاوه بر این جا طلبی صد ام نیز که میخواست در خاور میانه یک شخصیت معروف، بزرگ، مقتدر و فاتح جلوه گر باشد. (۱) با مقایسه دقیق و موضعگیری فوق بکی از جانب آقایان پاسخ در هند بود یگری از طرف آقای خامنه ای ریاست جمهوری و رئیس شورای عالی دفاع (وقت) ر. ج. ۱۰ چه نتیجه ای میتوان گرفت؟ چرا موضع گیریها و حتی کلمات و گفته هاتا این اند از هم شبیه است؟ آیا آقایان پاسخ در هند، منصفانه بما حق نمیدهند که بهرسیم: آقایان محترم این نزدیکی وجهه شابه حیرت انگیز بسا نمایند سرسخت خط امام در ۱۰ برای چیست؟ آیا میتوان قبول کرد برخی از "آزاد یخواهان آگاه" که خوشبختانه پیشاپیش مخالفین رژیم اسلامی قرار دارند، در باره یکی از مسایل عمده ای که حیات رژیم به آن بستگی دارد تا این اندازه هم کلام و هم سخن با وی باشند؟ امروز تمام دنیا میداند: حیات ر. ج. ۱۰ و منافع وی و اربابان خارجی اش در ادامه جنگ نهفته است. و تا زمانیکه ر. ج. ۱۰ بر مسند قدرت تکیه دارد، مردم مستمندی در هند ایران میبایست هزینه های جانی و مالی و... بس گزافی را متحمل شوند. باید به این مسئله اساسی توجه کرد و از هرگونه بحث و تفکر انحرافی که بسه نفع رژیم اسلامی تمام میشود قاطعانه خودداری نمود. بحث امروز مردم ایران بر سر "دیکتاتوری و رژیم استبدادی عراق و رهبر خود خواه و خود بزرگ بین و قدرت طلب آن صد ام حسین" نیست. مسئله عمده ملت ایران سرنگونی دیکتاتوری و رژیم استبدادی جنگ طلب جمهوری اسلامی است. نمیتوان هنگامیکه قادر نیستیم پس از ۷ سال رژیم اسلامی را سرنگون کنیم و یا حتی گامی اساسی بر علیه وی برداریم و یا بی مایگی و گرافه گویی، ما ایرانیان "آزاد یخواه آگاه" "مترقی" و "انقلابی"، دایه مهربانتر از ماد رگریم و برای دیگران تعیین و تکلیف کرد و در مورد اخلی کشورهای دیگر مدخله کنیم. مردم عراق و یا هر منطقه و کشور دیگری سرنوشت خود را، خود تعیین خواهند کرد!

### درباره پرسش سوم:

پس از آغاز جنگ در سپتامبر ۱۹۸۰ کشورهای و ملت های صلح دوست جهان بطور اعم و کشورهای منطقه بطور اخص نگران گسترش جنگ شدند و با اضطراب فراوان در پی چاره جوشی برآمدند، تسامب ابا زمانه کشیدن شعله های جنگ در یک منطقه فوق العاده مهم و استراتژیک پای قدرتهای بزرگ جهانی بمیان کشید میشود و خطر درگیریهای وسیع تر را افزایش داد و موجبات بروز جنگ هسته ای را فراهم آورد. بهمین دلیل هنوز چند ماهی از آغاز جنگ بقیه در صفحه ۶

## جنگ و مواضع انحرافی...

سیری نشد بود که هیئت‌های صلح دست در دست می‌انجیرگی بین ایران و عراق برآمدند یکی از اولین هیئت‌های صلح مرکب از سران ۸ کشور آفریقایی و آسیایی بود. آنان در اعلامیه خود برای پایان یافتن جنگ ایران و عراق متذکر شدند "اختلافات برادرکشی بین ایران و عراق باید به یک پایان صلح عادلانه و شرافتمندانه برسد." و پیشنهاداتی را در جهت ختم جنگ ارائه دادند. از آنجمله پیشنهاد آتش بس بین عراق و ایران، در تاریخ ۳ مارس ۱۹۸۱ (مطابق با ۲۲ اسفند ۱۳۵۹) و عقب نشینی کامل نیروهای عراق از خاک ایران بعد از ۲۰ مارس ۱۹۸۱ (مطابق با ۲۹ اسفند ۱۳۵۹)، در مدت چهار هفته بود. (۲)

همچنین برخی از کشورهای نفت خیز منطقه براز نمود می‌نمودند که در صورت اجرای آتش بس و خاتمه جنگ حاضرند خسارات وارزه بر ایران را جبران کنند. دولت عراق نیز متوجه اشتباه بزرگ خود در حمله و تجاوز به خاک ایران شد و از طرق مختلف ایران را تمایل به اجرای قرارداد آتش بس و عقب نشینی به آن طرف مرز و خاتمه جنگ نمود می‌نمود. در چنین شرایطی برآستی عقل سلیم حکم می‌کرد که سه ج. ۱۰ تن به صلح دست تابند و هم‌و هم خود را معطوف بسسه "ساختمان سازندگی" کشور نماید و در "آبادانی" ایران و تثبیت موقعیت اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی خود بکوشد. اما رهبران ج. ۱۰ بنا بر ماهیت وابسته خود چنین نکردند. آنان به کلیه تلاش‌های هیئت‌ها و شخصیت‌های صلح دوست جهان وقعی ننهانند. و سرسختانه ابراز داشتند جنگ را تا پیروزی انقلاب اسلامی در عراق و سرنگونی صدام ادامه خواهند داد. بیم و دهنی نبود که روزنامه کیهان با توجه به سخنان رفسنجانی در این باره نوشت:

"حجت السلام رفسنجانی با اشاره به رفت و آمد های هیئت‌های که ظاهراً به نیت پایان یافتن جنگ به ایران سفر میکنند، گفت: اینها بارها آمدند و رفته‌اند و هرگز مطلب تازه‌ای نداشتند و فقط می‌آیند که بعد بگویند ایران قبول نکرد." (۳)

و در بین ترتیب رهبران رژیم اسلامی نهنها کلیه پیشنهادات صلح را رد کردند، بلکه به درخواست‌های مکرر شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز ترتیب اثر ندادند. شورای امنیت از ایران و عراق خواسته بود تا بر مرزهای خود عقب نشینی کنند و جنگ را متوقف سازند. کلیه اعضای شورای امنیت که شامل ۵ کشور میشدند بدو استثناء رأی به آتش بس و خاتمه جنگ دادند. ولی رجائی خراسانی نمایند ایران در سازمان ملل جلسه شورای امنیت را تحریم نمود و قطعاً مه شورای امنیت را محکوم کرد. (۴)

واقعا سرسختی و یکدنگی نمایند ج. ۱۰ در ادامه جنگ بعنوان کشوری وابسته بسیار قابل توجه می‌باشد. رهبران ج. ۱۰ بارها و بارها و بطور علنی از مقاصد جنگ طلبانه خود پرده برداشته بودند. ولی حماقت تا این حد در جهان سابقه نداشت. اما اینکه چگونه کشوری توسعه نیافته و غیر صنعتی میتواند "بدون وابستگی" به شرق و غرب، بیکه و تنه‌ها دست رد بر سینه اکثر کشورهای امنیتی بزند معمای پیچیده‌ایست که رهبران رژیم آنرا در لیل بر سرستقل بودن خود دانستند. بیهوده نبود که خامنه‌ای در ادامه خط مشی‌های سیاسی، نظامی رژیم رباره "صد و انقلاب اسلامی" در دیداری با اعضای مجلس اعلا اسلامی عراق می‌گوید: "اگر انقلاب اسلامی ایران کلیدی بود برای شروع انقلاب‌های جهانی، بیشک انقلاب اسلامی عراق کلید و محاسب می‌آید. پیروزی انقلاب اسلامی در عراق برای ما بعنوان مسئولین جمهوری اسلامی ایران بسیار حیاتی است. ما بعنوان دبستان و علاقمندان به انقلاب اسلامی، پیروزی انقلاب اسلامی عراق را حیاتی تر میدانیم و خواهان پیروزی هر چه سریعتر انقلاب اسلامی عراق هستیم." (۵)

اینست گوشه‌های کوچکی از واقعیات روابط و برنامه‌ها و اهداف جنگ طلبانه ج. ۱۰. حال این سوال برای ما و بسیاری از ایرانیان مطرح است: که چرا آقایان نویسندگان پاسخ دهند که کوچکترین زحمتی را بخود هموار نمی‌سازند، تا به بررسی همه جانبه اهداف و برنامه‌های جنگ طلبانه ج. ۱۰ بپردازند؟ آنان در پاسخ به پرسش سوختن سوختن با این امر اکتفا نمودند که پایان جنگ بسود عراق است! ولی گویا آقایان زیاد بخود اطمینان ندارند و مثل اینکه گنا بزرگی را مرتکب شده‌اند. زیرا فوراً برای مخدوش نمودن یک جمله رستی که مجبور شد‌اند ابراز دارند - بدو ارتباط به سوال - اضافه میکنند: اما این امر چیزی را در زمینه آغاز جنگ و تجاوز عراق به ایران کم نمی‌کند. آیا این روش علمی حل مسایل و مشکلات است؟ بایک جواب کلی نمیتوان مسایل پیچیده و فوامض را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داد. باید کمی به ریشه‌ها نگریم. باید به آن عوامل اساسی که سبب موضوع گیریهای عراق در باره پایان جنگ و ادامه آن از طرف ج. ۱۰ شده است توجه کرد. عواملی که متأسفانه آقایان پاسخ دهند، آگاهانه و بی‌نا آگاهانه نمی‌خواهند بد آنها بپردازند.

### درباره پرسش چهارم:

آقایان پاسخ دهند در مورد پرسش چهارم به یکباره خیال خود



## جنگ و مواضع انحرافی ...

رابایک جواب کلی راحت کرد همدون مسئولیت و توضیحات کافی در بررسی واقعیت‌های ایران ایراز داشته‌اند :

" رژیم اسلامی (تنها) برد و محور فساد و سرکوب به حیات خود ادامه میدهد " و " رژیم اسلامی ... هیچیک از ارکان اجتماعی، اقتصادی، اداری، نظامی و فرهنگی خود را به عنوان یک دولت و یک سیستم سیاسی تحکیم و تثبیت ننموده است. "

آیا این جواب را هیئتهای انسان را متحیر نمیکند؟ برآستی اگر رج ۱۰ تنها برد و محور فساد و سرکوب به حیات خود ادامه داده پس چگونه نتوانسته است در یک جنگ طولانی، خانمانسوز و پرخرج و دام آورده؟ اگر رژیم اسلامی از پشتوانه اقتصاد کافوی برخوردار نبود، آیا میتواند سیاست‌های جنگ طلبانه خود را به اجرا درآورد؟ همچنین رج ۱۰ توانسته است در پی کشته شدن بسیاری از رهبران در رمب گذار یهبادون ایجاد تغییرات اساسی در سیستم سازماندهی و تشکیلاتی به سیر تعیین شده خود ادامه دهد؟ آیا بر حسب تصادف بود است که رج ۱۰ مستقل و یکه و تنها " بر علیه آمریکا، انگلیس، فرانسه، عراق، عربستان سعودی و ... بمقابله هر خیزد آنهم برد و محور فساد و سرکوب و پیروز هم گردد؟ تشکیل سپاه پاسداران و رشد آن به مثابه یک ارتش نیرومند چند صد هزار نفری افسانه است؟

بنظر ما تئوریسینهای مجرب و کارگشته و صغفی رژیم اسلامی پس از اجرای سناریوی موفقیت آمیز اشغال سفارت آمریکا ( به شهادت واقعیات ایران در رهنگامیکه رژیم در معرض خطرات فراوان داخلی و خارجی قرار گرفته بود و دیگر نمیتوانست تحت لوای مبارزه با دشمن اصلی " مرد مرابه مقابل سفارت آمریکا بکشاند، و مرد دام آرامی به ماهیتش میبرد ) مدت‌ها پیش از آغاز جنگ، جنگ ایران و عراق را طرح ریزی کرده بودند. آنان میدانستند باید توجه مردم را از رون کشور به بیرون و سمت خارج از مرزها معطوف نمایند. " جنگ مسئله اصلی است. " بدین ترتیب تئوریسینهای رژیم اسلامی با زیرکی فراوان به اجرای این طرح مشغول شدند. آنان جنگ را " موهبت الهی " دانستند و بدین وسیله نتوانستند، اگر مخالفتها و مبارزات مردم را سرکوب نمایند و به تثبیت ارکان متزلزل خویش بپردازند. برای روشن شدن مطلب توجه آقایان پاسخی

دهند که برای یکی از سخنرانیهای خانه‌ای جلب میکنیم :

" عیب اساسی ما در اوایل جنگ این بود که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در آن موقع بطور صحیح جان فیتاد نبود ... (اما) بنظر من یکی از علل پیروزیهای ما در یکسال اخیر این بود که فرماندهان

ارتش نیروی عظیم سپاه را شناختند ... سپاه امروز سپاه و وسایل پیش قابل مقایسه نیست. امروز سپاه قدرت کارآمد و بسیار شایسته و رزی است ... " ( ۶ )

بدین ترتیب رج ۱۰ بخوبی توانست با عدم نمودن جنگ بعنوان " مسئله اصلی " به تقویت و رشد هر چه بیشتر سپاه پاسداران و وسیع برداخته و همچنین ارتش را تحت کنترل درآورد. رژیم با استفاده از مسئله جنگ کلیه نهادها و سازمانهای مختلف را در کشور بسیج نمود و آنها را بکار گرفت و از این راه به تحکیم موقعیت سیاسی، نظامی، ایدئولوژیک، دیپلوماتیک و ... خود پرداخت.

### در باره پرسش پنجم :

قبل از بررسی جوابهای آقایان پاسخ دهند و جواب صحیح به پرسش فوق، باید ابتدا مشخص کرد که جنگ میهنی یعنی چه؟ چه زمانی یک جنگ را میتوان میهنی خواند؟ آیا میتوان بدین توجه به اوضاع و شرایط مشخص تاریخی، سیاسی، داخلی و بین المللی یک جنگ را میهنی قلمداد نمود؟ اکثر قریب به اتفاق " رهبران " و روشنفکران مانتهنها نتوانسته‌اند یک بررسی جامع و صریح از جنگ میهنی ارائه دهند، بلکه با گنجی و گمراهی - با وجود تمام ادعاهای خود - فریب رهبران و تئوریسینهای رژیم اسلامی را در باره " جنگ میهنی " خوردند. این قبیل آقایان صاحب نظر با وجود قلم فرسائیهای زیاد برآستی عاجزند تا با صراحت و روشنی با آوردن دلایل معین تاریخی مرد مرا آگاه سازند. در این میان کسانی نیز هستند که با مهارت و مقاصد خاصی بعنوان ایدئولوگها و زید رژیم اسلامی، خطوط اساسی سیاستهای داخلی و خارجی را تعیین نمودند و سپس از هر نیروی کوشش بخرج دادند تا تئوری " جنگ میهنی " خود را در جامعه ایران پیاده کنند و برآستی در این مورد به موفقیت‌های بسیاری هم دست یافته‌اند. اما جنگ میهنی در کشوری عقب ماند و آسیائی و وابسته مانند ایران معنا و مفهوم خاصی ندارد. بخصوص که رژیم حاکم بر ایران یک رژیم ضد مردمی، ضد مکرانیک و ضد ایرانی است و بدین سبب در کشمکشهای بین المللی بین قدرتهای بزرگ چه بخواهد و یا چه نخواهد باید متکی به یکی از آنان گردد تا از موجودیت سیاسی - اقتصادی، نظامی، دیپلماتیک و ... وی حمایت و پاسداری شود. البته این امر در شرایط کنونی با پیچیدگیهای خاص و ظرفی انجام میپذیرد. حال با توجه به مطالب گفته شده، اگر بپذیریم رج ۱۰ یک رژیم وابسته و غیر مستقل است، آنها ننگام نمیتوانیم به این نتیجه برسیم که: جنگ میهنی رژیم تحت لوای دفاع از تمامیت ارضی

## جنگ و مواضع انحرافی...

ایران و یا حفظ منافع ملی جد از سیاستهای اعمال شده از طرف اربابان اصلی خارجی و نمیتواند مطرح شد. بدین ترتیب حمایت از تمامیت ارضی ایران و دفاع از میهن در هنگامیکه یک رژیم وابسته به خارجی مانند ر.ج. ۱۰ بر آن حاکم است تنها میتواند در خدمت منافع ضد ایرانی و ضد مردمی سلطه‌گرانه و استعماری بشمار رود. باین دلیل باید اکنون به ایران بصورت یک قلعه اشغال شده‌ای که از درون تحت یوغ و کنترل عوامل و سرسپرگان (سردمداران ر.ج. ۱۰) دشمنان خارجی قرار در نگریند. در چنین شرایطی میهن پرستان واقعی و آزاد بخوانان راستین باید ایران را تیدیل به جهنم سوزانی کنند تا رژیم اسلامی، این دشمن خون آشام را در خود فروسوزاند.

البته با توجه به تجربیات تاریخی در رابطه با جنگهای میهنی و بخصوص در جنگ بین‌المللی اول و دوم، میتوانیم در رسدانی پس از نبرد میهنی موزیم، بویژه امید ایش فاشیسم هیتلری و روی کار آمدن آلمان نازی و مقایسه آن با رژیم خمینی میتوانیم کمک فراوانی به ما نماید تا بتوانیم با هوشیاری و روشن بینی و بدون تعصبات کورکورانه شونیستی مسئله میهن و جنگ میهنی را در رژیم جمهوری اسلامی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

بنظر ما ر.ج. ۱۰ مانند رژیم آلمان هیتلری بنا بر ماهیت خود ذاتاً جنگ طلب و تجاوزکار است. با این تفاوت که رژیم نازی مستقلاً بخود بود، در حالیکه رژیم خمینی وابسته به قدرتهای بزرگ بیگانه است و در طی هفت سال گذشته، با گذشت زمان هر روز وابستگی گامینان و گاه آشکار خود را با برخی از آنان مستحکمتر و گسترده‌تر نمود است. "دفاع از خاک میهن" در رژیم خمینی همان اندازه بی معنی و مزخرف است که رژیم آلمان نازی در تبلیغات خود به دفاع از خاک میهن و سرزمین آلمان میپرداخت. بنا بر این نباید با ساد طوحی کودکان در بستانی فریب تبلیغات مبلغین رژیم اسلامی را خورد. یا تحت تاثیر سخنان آتشین و "میهن پرستانه" برخی از آقایانی که متأسفانه آگاهانه و یا ناآگاهانه نمیخواهند واقعیتهای رژیم مذہبی - فاشیستی خمینی را ببینند و سنگ جنگ میهنی رژیم اسلامی را به سینه میزنند، قرار گرفت.

البته متأسفانه رهبران رژیمها مهارت وزیرکی فراوانی توانستند در اوایل جنگ بسیاری از مردم را فریب دهند و مردم ناآگاه و از همه جایی خبری که مسلمانان خود را دست داشته و هموار از توطئه و تجاوز دشمنان پر قدرت خارجی بیمناک بودند را ناگهان غافلگیر کنند و حمایت از "جنگ میهنی" فراخوانند. ولی همین مردم ناآگاهی که در شرایط خفقان زابسز میبرند، اکنون پی

برد هاند که در پس جنگ میهنی رژیم چه امری نهفته است. وجه کسانی از ادا و ورشد آن بهره‌ور میگردد و چرا؟ بهمین دلیل رژیم برخلاف کلیه تلاشهای خود با مسئله بزرگی روبرو گردید و آن هم مخالفت روزافزون مردم با "جنگ میهنی" میباشد. اما نقش بخشی از اپوزیسیون سلطنت طلب و آتش و "جمهوریخواهان ملی" در باره جنگ میهنی بسیار رقت آور است. متأسفانه آقایان رهبران اپوزیسیون بجز تعداد معدودی که جسارت و شجاعت داشته‌اند، اکثراً بعزت کوتاهی و عقب ماندگی سیاسی دانسته و یا بد انستعنوان مبلغینی در آمد هاند که بهتراز پیروان جنگ طلب خط امام در باره جنگ میهنی "دفاع از تمامیت ارضی ایران پیراهن میدهند و گویا میگویند. حیرت انگیز است که چگونه برخی از سلطنت طلبان بدون اندیشه و فکریات تعصبات خشک و کورکورانه "ملی" پس از سپری شدن ده سال هنوز به هم آوازی در باره "جنگ میهنی" با رژیم اسلامی ادامه میدهند؟ ما می دانیم بسیاری از این آقایان همانگونه که ایران را در دست تقدیر ر.ج. ۱۰ نمودند البته نمیتوانند در باره مسایل پیچیده‌ای مانند جنگ ایران و عراق با واقع بینی و هوشیاری برخورد کنند.

حال در این میان آقایان پاسخ دهند، پس از ده سال جنگ و این همه بدبختی و فلاکت، آوارگی و بیخانمانی مینویسند:

"آیا مردم ایران... میتوانستند تجاوز نظامی عراق را به میهن خویش ببینند و خاموش بنشینند و بگذارند دشمن خارجی ایران را تسخیر کند و دولت دست نشاند خود را بر سر کار آورد و یا بخشی از کشور ما (مثل خوزستان) را ضمیمه عراق کند."

خیر آقایان محترما پاسخ دهند، میهن تحت حکومت

فاشیستی - مذہبی خمینی میهن نیست، کشور نیست. رژیم خمینی بدترین نوع حکومتی است که مردم ایران در طول تاریخ طولانی خود با آن روبرو بوده‌اند. ملت بجان آمدن ایران، برخلاف شما دچار توهم در باره چنین رژیم و جنگ میهنی اش نیست. و هر ضربه و هر تغییر بر علیه این رژیم بعنوان دشمن اصلی مردم ایران را با کمال میل میبپذیرد. آیا شما فریاد مردمی که در زیر بارانهای هواپیماها عراقی در حالیکه عزیزان مجروح و از دست رفته خود را در آغوش گرفته و فریاد مرگ بر خمینی را سر میدادند، شنیدهاید؟ آیا ضحاکان مادرانی که جگر گوشه‌های خود را به سینه میفشردند و میدادند این رژیم جنایتکار اسلامی میباید که برای ایشان تحت لوای "جنگ میهنی" و صد و انقلاب اسلامی این همه فلاکت و بدبختی به ارمغان آورد است را شنیدهاید؟ پس این همه سخنان عوام فریبانه و شعارگونه در حمایت از "جنگ تمام عیار میهنی" برای چیست؟



# شعر و ادب

## می شنویم که تو خسته‌یی

میشنوم ، که تو د بگر نمی خواهی با ما کار کنی  
 واداد هی ، د بگر نمیتوانی فعالیت کنی  
 بسیار خسته‌یی ، د بگر نمیتوانی بیاموزی  
 از دست رفته‌یی  
 د بگر نمیتوان انجام کاری را از تو چشم داشت  
 پس بدان :  
 ما این همه را از تو می خواهیم .

هنگامیکه خسته به خواب میروی  
 د بگر هیچکس تو را بیدار نخواهد کرد و  
 نخواهد گفت :  
 برخیز که غذای تو آماده است .  
 چرا باید غذا آماده باشد ؟  
 هنگامیکه تو د بگر نمیتوانی فعالیت کنی ،  
 د بگر کسی خواهی افتاد .  
 هیچکس تو را جستجو نخواهد کرد و  
 نخواهد گفت :  
 " بلوایی برپا شده است ، و کارخانه‌ها  
 د ر انتظار تو هستند ."  
 چرا باید بلوایی برپا شده باشد ؟

زمانیکه مردی ، تو را د فن خواهند کرد  
 خواه مرگ تو را د می خطای تو باشد خواه نه .  
 تو می گویی :  
 " مدتی د ر از جنگیدم ، اما حال ، د بگر نمیتوانم "  
 پس ، گوش کن :  
 تو خواه خطا کار باشی خواه نه ،  
 هنگامیکه د بگر نمیتوانی بجنگی  
 نابود خواهی شد .

تو می گویی : مدتی د ر از امید و اربودم .  
 د بگر نمیتوانم امید و ارباشم ."  
 به چه امید بسته بودی ؟  
 به این که جنگ ، آسان است ؟  
 این سخن ، مقبول نیست .  
 روزگاری از آنچه می انگاشتی بد تراست .

روزگاری ما چنین است :  
 اگر ما کاری ابر مردانه انجام ندیم ، مدویم .  
 اگر نتوانیم کاری کنیم که هیچکس از ما انتظار  
 ندارد ، از دست رفته‌یییم .  
 د دشمنان ما منتظرند  
 تا خسته شویم .  
 هنگامیکه تیرد د رشد بدترین مرحله است  
 و جنگجویان د ر خسته‌ترین حال ،  
 جنگجویانی که خسته‌ترینند  
 شکست خوردگان صحنه می نبرند .

## برتولت برشت

## کاری نمی کنی !

ایدل بکوی عشق گذاری نمی کنی  
 چونان حکم د رکب و گوئی نمی زنی  
 این خون که موج میزند اندر جگر ترا  
 مشکین از آن نشد د م خلقت که چون صبا  
 ترسم کزین چمن نبری آستین گل  
 د ر آستین جان تو صد نافه د ر جست  
 ساغر لطیف و دلکش و افکنی بخاک

حافظ برو که بندگی پادشاه وقت

گر جمله میکنند تو باری نمی کنی

حافظ

## همنشینی با بدان

هر که با بدان نشیند اگر نیز طبیعت ایشان د رواثر نکند بطریقت ایشان  
 متهم گردد و گریخا باقی رود بنماز کردن منسوب شود بخمر خوردن .

رقم بر خود بنمادانی کشیدی  
 طلب کرد مزد انانی یکی پسند  
 که نادان را بصحبت برگزیدی  
 مرا فرمود بانادان میبوسند  
 که گردانای د هری خرباشی  
 و گردانانی ابله تر بیاشی



د دشمن چو از همه حیلتی فروماند سلسله  
 د دستی بجنبا ند پس آنگه بد دستی  
 کارهایی کند که هیچ دشمن نتواند .

گلستان سعدی

بقیه از صفحه ۳

## جنگ جناحها و ...

در رون رژیم سخن میگویند. عد های نیز در ارزیابی از وضعیت نمایندگان جناحها بدون در نظر گرفتن موضعگیریها و نقطه نظر آنان، مواضع انحرافی را مطرح میسازند. برای مثال برخی از سیاستمداران بنام <sup>نند</sup> هم آقای میرفندرسکی که از وزرای نهضت مقاومت آقای بختیار، میباشند، از رفسنجانی به عنوان نمایندنده جناح راست و طرفدار غرب در حاکمیت نام میبرد. در این رابطه توجه خوانندگان را به قسمتی از نظرات میرفندرسکی در رابطه با مبارزه قدرت در رون رژیم، که در نشریه "لاریبلیکا"، چاپ رم (۱) درج شده، جلب مینمائیم:

"... این مبارزه مشخصا بین دو تمایل است که یکی دست چپی است به رهبری خامنه‌ای که با شوروی و کشورهای کمونیستی که خامنه‌ای مدت طولانی در آنجاها زندگی کرده، ارتباط دارد و دیگری تمایل دست راستی به رهبری رفسنجانی است که با غرب ارتباط دارد. در این زمینه تاکید بر این نکته اهمیت دارد که غرب عملا رفسنجانی را شخصی میدانند که امکان معامله با او وجود دارد..."

در این مورد باید از آن نمود که چنین موضعگیری نمیتواند مبتنی بر واقعیت باشد. زیرا موضعگیریهای رفسنجانی بخصوص در رابطه با جنگ، آمریکا، حمله به جناح حجتیه و نهضت آزادی، صد و انقلاب اسلامی، اعزام تروریست به منطقه، حمایت شدید از کشورهای جبهه پایداری و... نشانگر این امر است که وی متعلق به جناح وابسته به غرب نیست، بلکه جزء جناح خط امام است و موضعگیری آقای میرفندرسکی در مورد وی یکی انحرافی و غلط میباشد. و صرفا بر اساس برخی از تحلیل‌های مشکوک و غیرواقع بینانه نمیتوان به ارزیابی صحیح و

روشن در قبال مسائل پیچیده ایران مبادرت ورزید. آقای میرفندرسکی در مصاحبه خود نتوانسته است یک مورد مشخص و یک موضعگیری سیاسی روشن را از جانب رفسنجانی بعنوان دلیل غربی بودن وی ذکر نماید. بنا بر این ایشان بر احتی تحت تاثیر و در زمره آن کسانی قرار میگیرند که هدف فشان ایجاد سردرگمی و گیجی در بین "اپوزیسیون" بی رویکر میباشد.

همچنین مسئله وجود ۲ جناح در رون حاکمیت، بارها از زبان مسئولان و رهبران رژیم به انحاه مختلف بیان شده است، برای مثال منتظری در این مورد چنین میگوید: "... در برخورد با اینطور نباشد که نمایندگان که به اصطلاح ۲ سنخ فکری دارند و یا به تعبیرهای ۲ خط دارند با هم قهر نباشید، با هم رفیق باشید..."

(کیهان ۲۲ مهر ۱۳۶۴)

و حتی بسیاری از نمایندگان مجلس علنا از وجود "دو بینش مذهبی و دو جریان فکری" در هیئت حاکمه نام میبرند.

با در نظر گرفتن وضعیت جناحهای موجود در رون رژیم ملاحظه میشود که جناح خط امام از موقعیت و قدرت خود اطمینان کامل دارد و جناح حجتیه، بازرگان در طی ۶ سال گذشته بطور سیستماتیک عقب راند شده است. همچنین جناح خط امام توانسته است مهارت فراوان خطوط سیاسی ایدئولوژیک خود را در سطح کشور پیاپی کرده و با بهره برداری از پدیدهای گوناگون که خود را ایجاد آن نقش اساسی را بر عهده داشته است، جناح مخالف را در موضوع ضعف و تدافعی قرار دهد. حال با توجه به این مسئله، به اختلافات و تضادهایی که اخیرا در رون هیئت حاکمه در سطح جامعه اوج گرفته است، میرد ازیم:

همانگونه که قبلا اشاره گردید، موسوی و خامنه‌ای در صف بندی جناحها در طیف جناح خط امام قرار دارند. ولی اخیرا

اختلافات آنان در رون جناح خط امام بر سر کسب قدرت بیشتر بالا گرفته است. بطوریکه خامنه‌ای در مراسم تحلیف حکم ریاست جمهوری این، به "دولت سالاری" حمله نمود و "کاهش رشد اقتصادی" را از نتایج "دولت سالاری" ذکر نمود. وی همچنین در سخنرانی دیگری در نماز جمعه از رسانه‌ها و مطبوعات رژیم خواست که جورا سالم نگهدارند، تا او بتواند با اختیار و تشخیص خود دولت آیند را انتخاب کند.

خامنه‌ای با بیان چنین سخنانی در واقع مخالفت خویش را با نفوذ و قدرت بیش از حد دولت ابراز نمود و در پی آن، طرفداران وی نیز دولت موسوی را مورد انتقاد قرار داده و علنا اظهار داشتند امکان آنکه وی بار دیگر نخست وزیر شود، بعید است.

اما در مقابل این نظرات، طرفداران موسوی نیز ساکت ننشستند و مخالفتها و اعتراضات خویش را نسبت به سخنان خامنه‌ای به طرق مختلف بیان نمودند. از جمله چند تن از نمایندگان مجلس علنا در جلسات مجلس با محکوم کردن سخنان خامنه‌ای در این رابطه چنین عکس العمل نشان دادند:

"تضعیف قوه مجریه و... به نام جلوگیری از دولت سالاری، تاریخ خونبار ایران پس از مشروطیت را بیاد خواهد آورد که... ایجاد یک دولت منسجم جلوگیری شد و ارکان مملکت بدست مردان کم تجربه ولی جاه طلب و پانده با زافتاد و شد آنچه که نباید بشود."

(معزی، نمایندنده اصفهان کیهان ۱۳۶۴/۲۸)

"... من نمیدانم واقعا بعضی از برادرها مخصوصا جناب رئیس جمهور که برای خود من سوال است چگونه در حضور امام فرمودند یکی از بزرگترین مشکلات دولت سالاری است." (رشیدیان نمایندنده آباد کیهان ۳ شهریور)



جنگ جناحها و . . .

موج کشمکشها و اختلافات بین د وطف آنچنان بالا گرفت که بطریق گوناگون (نوشتن نامه، پخش اعلامیهها امضای محفوظ، ایجاد سخنرانی و . . .) در جامعه انعکاس پیدا نمود. اما بالاخره جنگ قدرت با مدخله مشخص خمینی که تحت نفوذ طرفداران موسوی قرار گرفته بود (نامه ۱۳۵) نمایند طرفدار موسوی در مجلس به خمینی و هشداریه‌وی در مورد خطرات ناشی از تغییر دولت (موقتاً خاموش گشت. خمینی در این اختلافات علناً اظهار نمود انتخاب موسوی را برای نخست وزیر صلاح میدانند و بدین ترتیب عملاً خاتمه‌ای مجبور شد از مواضع قبلی خویش عقب نشینی کند و موسوی در سمت خویش باقی بماند.

در طی انتخابات نخست وزیر رژیم، علاقه و تضاد در درون خط امام، تضاد بین جناح حجتیه و جناح خط امام نیز از ج گرفت. بطوریکه طرفداران حجتیه نسبتاً از تضاد در درون جناح خط امام بهره‌برداری کردند و از این موقعیت استفاده کرد و در پی صریح زدن به طرفداران جناح رقیب و تضعیف نمودن آن برآمدند. آنان در سطح وسیع و به طرق گوناگون در دولت موسوی را مورد حمله قرار دادند و حتی به انتشار گزارش ۱۲۰۰ صفحه‌ای در رابطه با دولت موسوی پرداختند و برخی از نمایندگان مجلس از مهدوی‌کی به عنوان شخصی معتبر برای نخست وزیر نام بردند.

اما طرفداران موسوی در جناح خط امام که از نفوذ فراوانی در هیئت حاکمه برخوردار میباشند، با بیان "استدلالاتی" از قبیل اینکه در شرایط بحرانی کشور تغییرات باعث هرج و مرج و ناآرامی میشود، در پی کسب برای اعتماد برای نخست وزیر موسوی برآمدند و در این میان رفسنجانی که از عناصر

اصلی خط امام میباشد، به حمایت قاطع از موسوی پرداخت.

در این دوره جنگ وجدال بین جناحها آنچنان بالا گرفته بود که جناح حجتیه و مخالفین موسوی، علیرغم آنکه خمینی در این کشمکشها به حمایت از نخست وزیر موسوی پرداخت، مخالفت خویش را نسبت به نخست وزیر موسوی ادامه دادند بطوریکه رأی گیری برای نخست وزیر موسوی در مجلس شامل ۷۳ رأی مخالف و ۲۶ رأی موافق بود.

در مقابل ۶۲ رأی موافق گردید. در این رابطه یکی از نمایندگان موافق موسوی در مجلس چنین بیان نمود:

" . . . در اینجا با صراحت عرض میکنم در استان از این مسئله بهره‌برداری اشتباه شدند که صف مخالفین را طولانی تر کنند. اگر در مجلس کسانی به عنوان مخالف دولت را دادند، بهره‌برداری کنند که بگویند اینها مخالف امام هستند. کسی در این کشور جرات نمیکند و به خود اجازه نمیدهد و تقوا و ایمان کسی به کسی اجازه نمیدهد که بخواهد در مقابل امام بایستد. اگر کسی در مقابل امام بایستد، به زمین میخورد."

بقیه از صفحه ۲

آزادی ایران در . . .

رنا نمائیم. اینک در آستانه د و مین سال با مشکلات مالی برای نشر "آزادی ایران" موا هستیم. در استان و همکاران مطبوعاتی ما و آنانکه در این زمینه خود با مشکلات مشابهی روبرو هستند، مسلماً مشکل ما را درک خواهند کرد. ما مصممیم رأیند نیز، تمام سعی و توان خویش را بکار بیاوریم تا در کیفیت نشریه و بهبود آن بکوشیم. در این میان حمایتها معنوی و مادی خوانندگان عزیز میتواند، در ادامه راهمان بعماری رساند.

بی شک در طی یکسال گذشته علوی رغم تلاشها، نواقص و اشکالاتی نیز در کارمان وجود داشته است. مسلماً این امر

(د امغانی نمایند مرامهرمز، اطلاعات ۶۴/۷/۲۹)

بدین ترتیب همانگونه که ملاحظه میگردد موج حملات و اعتراضات همچنان ادامه دارد. در این نوشته به طور خلاصه به کشمکشها و جناحهای مختلف و وضعیت آنان اشاره کردیم. باید تاکید نمود: هر دو جناح رژیم، ضد مردمی و ضد مکرراتیک میباشد و علیرغم داشتن تضادهای فراوان باید یکدیگر منافعشان در بقای رژیم نپخته است.

آزاد یخواهان ایران هیچگونه توهمی نسبت به ماهیت هیچیک از آنان ندارند. اما از اختلافات موجود و بر ملا شدن و حاد گشتن تضادها و افزایش آن، در جهت مبارزه با کل رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی به عنوان دشمن اصلی مردم ایران بهره‌برداری میکنند.

س - بزرگمهر

۱ - مندرج در روزنامه‌های ریپابلیکا به تاریخ ۲۷ و ۲۸ مرداد ۶۴، نقل از ایران تایمز شماره ۷۱۹، هشتم شهریور ۱۳۶۴

در ارائه هر کار سازنده‌ای اجتناب ناپذیر میباشد. با در نظر گرفتن این مسئله که ممکن است مسأله بسیاری از اشکالات واقف نیابیم، انتقاد، برخورد، پیشنهاد و هر نظر سازنده فرد خوانندگان میتواند در رفع این اشکالات مفید واقع گردد.

در طول د و مین سال انتشار نشریه، امید داریم خوانندگان عزیز هر چه بیشتر ارتباطات خود را با "آزادی ایران" ادامه و گسترش دهند تا از این طریق بتوانیم در مسیر مبارزات مکرراتیک و آزاد یخواهانه مردم ایران گامهای موثرتری برداریم.



# ایران

## در ماهی که گذشت

### ناآرامی در مدام تهران

علی رغم اینکه در چند سال اخیر رژیم جمهوری اسلامی به منظور کنترل هر چه بیشتر کادآموزشی و دانش آموزان، عوامل خود را تحت عناوین مختلف راهی مراکز آموزشی نمود و به "پاکسازی" و "تصفیه های وسیع نیروهای مخالف و آزاد یخواه در بین کادآموزش و پرورش پرداخته است، اما واقعیات نشان میدهند که تاکنون در این زمینه کاملاً موفق نشده است. بر طبق گزارش روزنامه اطلاعات در تاریخ ۲۹ مهر ماه، کادآموزشی، انجمن اولیا و مربیان و دانش آموزان مدرسه راهنمایی پسرانه "شهید رسولی" در تهران در پی اخراج مدیر قبلی مدرسه و انتصاب مسئول جدید از جانب ناحیه ۱۲ آموزش و پرورش در این مرکز آموزش تجمع مینمایند و ضمن اعتراض به انتصاب رئیس جدید، عدم همکاری خود را با وی اعلان کرد و خواهان بازگشت مدیر قبلی میشوند. در پی این اعتراض، روسای آموزش و پرورش علاوه بر اخراج مدیر مدرسه، کادآموزشی جدیدی از عوامل خود را نیز راهی مدرسه مینمایند. دانش آموزان در اعتراض به این مسئله از رفتن به کلاسهای درس خود داری کرد و در محوطه مدرسه و اطراف آن تجمع میکنند. نیروهای سرکوب برای جلوگیری از پیوستن مردم به آنان و گسترش دامنه اعتراضات و در نتیجه برای تحت کنترل در آوردن اوضاع ناچار میگردند.

پاسد اران مزد ور خود را روانه مدرسه نمایند اسماعیلی رئیس اداره آموزش و پرورش منطقه ۲ در مصاحبه ای با اطلاعات میگوید: "... با توجه به اینکه بنظر میرسد این قضایا تاکنون بوسیله تحریک و اخلال عدای عناصر مشکوک انجام شد باشد از طرف نیروهای انتظامی و مقامات مسئول، اوضاع تحت بررسی است." وی به وجود نمونه اعتراضات مشابهی در مدام تهران مانند مدرسه مدرس و چین چیان اعتراف میکند و میگوید: "... گردانندگان این مدارس تویی و پاندهی کار میکنند و سیاستهای خاص خود را جدای از نظام آموزش و پرورش اعمال میکنند."

### همبستگی استراتژیک ایران، سوریه و لیبی

در تاریخ ۴ آبان ۱۳۶۴ سفیر سوریه در تهران با علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه رژیم جمهوری اسلامی ملاقات کرد و در طی آن پیام فاروق الشرع وزیر امور خارجه سوریه را تسلیم وی نمود. در این پیام گفته ها و نظرات "بعضی از محافل سیاسی و خبری که می کوشند تا تلاشهای کمیته حل و فصل اختلافات کشورهای عربی را بگونه ای و انمود کنند که بین ایران، لیبی و سوریه اختلافاتی پدید آمده" رد شده است. همچنین اخیراً دولت سوریه بیانیه رسمی منتشر کرد و در آن باره یگرس همبستگی و پشتیبانی خود از ایران در جنگ را اعلام نمود.

در قسمتی دیگر از پیا م فوق، سوریه ضمن کاملاً بسته دانستن باب مذاکرات و روابط بین آنکشور و عراق، بیاناتی که در محافل سیاسی و اخبار خبرگزاریها درباره آشتی سوریه و عراق مطرح شده است را بی اساس دانسته و زمینه آشتی با عراق را "غیرممکن" توصیف کرده است.

علی اکبر ولایتی در این دیدار گفت: "ارتباط و همبستگی سه کشور لیبی، سوریه و ایران یک پیوند استراتژیک است و شمنان نمیتوانند با این شیوه ها بر روی آن تاثیر بگذارند و اعتماد ما به برادران سوری گسترده تر از آن است که تحت تاثیر این گونه تبلیغات قرار گیرد."

برخلاف شایعات و سخن پراکنی های اشتباه آمیز برخی از نشریات خارج از کشور از قبیل کیهان لندن، در بیان کاهش اختلافات بین سوریه و عراق و ایجاد شکاف بین سوریه و ایران، بیانیه، پیامها و موضعگیریهای سوریه و ایران همبستگی و همسویی سیاسی ایند و کشور را آشکارا ترسیم ساز

### تلاش رژیم برای جمع آوری نیروی انسانی

رژیم جمهوری اسلامی در ادامه سیاست جنگ طلبانه خویش و برای جمع آوری نیروی انسانی که در جبهه های جنگ با کمبود آن روبرو میباشد، اخیراً توسط هیات دولت جهت اعزام کارگران و کارمندان به جبهه ها جنگ، مصوبه ای را تصویب نمود. احمد



## ایران، در ماهی که گذشت

سیا هیوش معاون نظارت بر روابط کار وزارت کار و امور اجتماعی روز ۲۲ مهرماه در يك مصاحبه مطبوعاتی در این زمینه گفت: "بنابر این مصوبه، کلیه واحدهای دولتی... مکلفند در هر زمان، با اعزام جبهه ناسقف (۱ درصد از کارکنان خود موافقت نمایند. این افزایش درصد مقدار زیادی از مشکلات را حل میکند."

در مصوبه پیشین هیئت دولت که سه سال پیش اتخاذ شد، تا دو درصد کارگران هر واحد میتوانند با توافق مدیریت در جبهه جنگ شرکت نمایند. البته این مصوبه شامل کارمندان نمیگردد. در مصوبه اخیر برای "تشویق کارگران و کارمندان به شرکت در جنگ، رژیم "تسهیلاتی" را در نظر گرفته است. در این مورد احمد سیما هیوش گفت: "واحد مکلف است از طریق تعاون سپاه و یا جهاد سازندگی به خانوادها و طلبین رسیدگیهای لازم را بنماید. همچنین به کلیه اطلبانی که حداقل شش ماه در جبهه باشند به محض بازگشت يك پایه تشویقی داد خواهد شد و در طول خدمت هر کارگری میتواند تا دو پایه به شکل تشویقی دریافت کند. مدت کمتر از شش ماه و یا اضافه از شش ماه ۲ برابر مدت معمول برای ارتقاء در نظر گرفته میشود."

طبق این مصوبه تمامی مزایای سالیانه کارگرانی که به جبهه میروند تعلق خواهد گرفت و همچنین خدمت در جبهه به عنوان خدمت "برجسته" به حساب خواهد آمد و در ازای هر ماه خدمت ۵ روز حقوق و مزایای اطلبین پرداخت میشود که حد اکثر معادل دو ماه حقوق آنان خواهد بود.

## کارشکنی بر علیه دولت موسوی

اختلافات و درگیریهای جناحهای درونی رژیم بر سر تعیین نخست وزیر، پشتیبانی و تأیید خمینی از حسین موسوی به انتصاب مجد و وی انجام میدهد. اما مخالفت و سرپیچی حد و ۱۰۰ نماینده مجلس از فرمان خمینی بیانگرایان مربوطه که اختلافات بین این جناحها تشدید یافته است.

بهمین منظور خمینی نمایندگان مجلس را نزد خود فراخواند و هوشی سخنانی با تهدید نمایندگان مخالف دولت موسوی، بر اینک اصرار بر مخالفتها بر علیه دولت، اسلام را شکست خواهد داد، از آنان خواست که کارشکنی بر علیه دولت موسوی را کنار گذاشتند و با آن همراهی نمایند.

خمینی سپس با اشاره اینکه مجلس يك مجلس مشورتی است نه يك مجلسی که در جاهای دیگر متعارف است گفت:

"ما الان در مشکلات هستیم، نباید دولت يك مدت طولانی تعطیل باشد باید بطوریکه صلاح است زود و بر حسب تکلیفشان آنقدری کتشیس میدهند تا تأیید کنند." (جمهوری اسلامی ۲۵ مهر)

## نمونه‌ای از مشکلات رژیم

سید علی عوض زاده نماینده شیروان، در جلسه روز ۲۸ مهرماه مجلس اسلامی گفت: نمونه مشکلات فعلی در ضعفهای شدید اداری که باعث کاغذ بازی، کم کاری، ایجاد رابطه، اعمال خط و خط بازی و ارتشاء شده و با نارساییهای اقتصادی را میتوان نام برد که توان طبقه ضعیف روز به روز گرفته میشود. همچنین گردش پول در غربتها بزرگ، عدم رسیدگی به وضع کشاورزان و روستائیان، در اختیار داشتن ۸۵ درصد حجم سپرده‌های موجود جامعه ۱/۵

درصد از سپرده‌گذاران، مساله تورم، وجود و ورخی در جامعه، رواج قاچاق مواد مخدر، فساد اداری که هزاران مساله دیگر را به دنبال خواهد داشت و موارد دیگری که طبعاً وجود دارد. اطلاعات ۲۳ مهرماه

## بهره‌گیری از قوه تخیل

در کیهان ۲۳ مهر در ستون "آقای پیشنهادی آورد میشود:

"با توجه به الطاف بی پایان و مراحم بسیار مسئولان نمایش فیلم و اداره کنندگان سینماها در مورد بی سروته کردن سوزنهای فیلمهای سینمایی و نمایش درآمده در سینماها پیشنهاد میکنم مسئولان قیچی کردن فیلمها هر چه بیشتر الطاف سرشار خویش را نثار تماشاچیان و سینما روه‌ها کرد و فقط تیتراژ و پایین فیلم را برای تماشا و عبرت علاقمندان به هنر هفتم نشان بدهند. بدین ترتیب تماشاچیان فیلمهای سینمایی میتوانند قوه تخیل و داستان پردازی خود را هر چه بیشتر تقویت کرد و امید لخواه خود برای این فیلمها داستان بسازند و در ذهنشان به تصویر بریاورند. به سازندگان فیلمهای سینمایی خارجی نیز پیشنهاد میشود سری به ایران بزنند و شاهکارهای سینمایی خود را در سینماهای تهران که به قول علاقمندان هنر هفتم قیمة قیمه شده و بیشتر به در ریختن در خورشید قیمة میخورد از نزدیک تماشا کنند.

## تذکره

متاسفانه مهلت کمبود جا ادامه مقاله در ربار مبرخی از مسایل مربوط به دشمن اصلی مردم ایران "به قلم آقای جمشید آریا نپور" در شماره آینده از نظر خوانندگان عزیز خواهد گذشت.

# ما و خوانندگان

سردبیر محترم نشریه آزادی ایران

ضمن عرض سلام، یکی از غلطی که باعث نوشتن این نامه برای شما شده است، مشاهده شعاری می باشد که در صفحه اول نشریه شما تحت عنوان "آزاد یخواهان ایران متحد شوید" آمد است. شعاری فوق شعاری است زیرا که چه بسا سایر نیروها و سازمانها گوناگون دیگر نیز به آنجا "مختلف آنرا عنوان مینمایند".

اما با وجود آنکه لزوم وحدت نیروهای آزاد یخواه روز بروز بیشتر از پیش احساس میشود، آزاد یخواهان ایران نه تنها نتوانسته اند با یکدیگر متحد شوند، بلکه بین از همیشه متفرق تر و پراکنده تر میباشند. این امر نشان میدهد که جد از خواستهها و شعارهای این ویان نیرو و گروه، عوامل و مشکلاتی در مقابل اتحاد آزاد یخواهان قرار دارد که مانع اتحاد آنان میگردد. شما که خواهان اتحاد آزاد یخواهان ایران هستید، ابتدا باید مشخص کنید این آزاد یخواهان چه افراد، گروهها و نیروهای را شامل میشوند؟ چه عوامل و مشکلاتی بر سر راه اتحاد آنان قرار دارد و راه عملی برداشتن این موانع و مشکلات چیست؟

در خاتمه میخواستیم بدانیم شما در سطح خود عملاً چه قدمی در راه اتحاد بین آزاد یخواهان برداشتهاید؟

نصرت - پاریس

۸۵/۱۰/۱۰

دوست عزیز، نصرت :

نامه شما بقول معروف مترا به خشخاش گذاشته و تیر را به هدف زد است. شما بد رستی برخی از مشکلات اساسی و عمده

جنبش آزاد یخواهان بود مکرراتیک مردم ایران را با زگوکردن و از حقیقتی تلخ و ملموس سخن گفتهاید. اما تصدیق میکنید که نمیتوان در چند جواب مختصر نامه و سوالات بسیار حساس، مهم و امانده ارشمارا بطور همه- جانبه پاسخ داد. بنابراین ما کوشش خواهیم کرد تا در شماره هان آینده ضمن مقالاتی پرسشهای شما دست گرامی و سایر ایرانیان آزاد یخواه و مترقی را پاسخ دهیم. در عین حال، ما از شما میخواهیم پس از دریافت جواب در ادامه مکاتبات، نظر خود را پیرامون آن ارائه فرمائید.

باتشکر و آرزوی موفقیت برای شما

هیئت تحریریه

دوست عزیز آقای دکتر - الف :

سومین نامه مفصل شما را از برلین دریافت کردیم. ما نیز با شما موافقیم. بقول معروف میگویند "و صد گفته چون نیم کردار نیست" روشنفکران ما که اکثراً از طبقات متوسط جامعه میآیند، همواره در نیای ادعا و حرف داشته و در هر مورد نظرات وسیع و همه جانبه ای دارند، اما متأسفانه فعالیت آنان در همین سطح است. آنان از تشکلی و سازماندهی میترسند زیرا تشکلی و سازماندهی آنان را موظف میکند که در مورد مسئولیتهای خود جوابگو باشند. امید است شما با این همه نظرات پر ارزش گامهای بیشتری در راه تشکلی و اتحاد نیروهای آزاد یخواه و مترقی بردارید.

به امید آرزو

خواننده گرامی خانم ایراندخت عزیز:

نامه محبت آمیز شما را همراه با نوشته ضمیمه دریافت نمودیم و از نظرات شما در مورد مسئله جنگ مطلع گشتیم. ضمن تشکر فراوان، امید داریم در آینده بتوانیم پیشنهادهای شما را بکار بندیم. از اینکه مطالب نشریه ما مورد علاقه و توجه شماست، خوشحالیم. شما برخلاف برخی از افراد در درون اپوزیسیون از نقش رژیم جمهوری اسلامی و "جنگ میهنی" اهداف رژیم وابسته خمینی به روشنی آگاه هستید و در مورد سرمقاله شماره گذشته "رژیم خمینی در تنگنای جنگ بد رستی متذکر شد هاید: ... من نمیدانم چرا برخی از ایرانیان نمی فهمند که رژیم خونخوار خمینی در ایران بر سریر قدرت است، جنگ همچنان ادامه خواهد داشت. بماران خارک و از این طریق ضربه زدن به منافع اقتصادی رژیم، به نفع مردم ایران است و ..."

در خاتمه شماره های درخواستی نشریه "آزادی ایران" را به آدرس مورد نظر ارسال می نمایم و برایتان موفقیت روز افزون آرزو مندیم.



دوستان عزیز!

به این آدرس با ما مکاتبه نمایند:

SAYADI  
B.P. 211  
92220 BAGNEUX  
CEDEX, FRANCE

بقیه از صفحه ۸

## جنگ و مواضع انحرافی...

از طرف دیگر، بنظر شما مواضع کنونی عوامل نفوذی حزب تود در ر و ن اپوزیسیون در باره "جنگ میهنی" چیست؟ آیا عوامل حزب تود همس از آنهمه خرابکاری و خیانت به ملت و کشور و حمایت و شرکت در "جنگ میهنی" اکنون در ر و ن اپوزیسیون به تبلیغ تزا و نظریات خود در دفاع از "جنگ میهنی" اما از طرق دیگر — نمیرد ازند؟ بخصوص در هنگامیکه یگرید لایل پیچید همین لعلی قادر نیستند بطور علنی در نشریات گوناگون خود از "جنگ میهنی" دفاع و جانبداری کنند. برای یاد آوری، توجه آقایان پاسخ دهند هر ابهرخی از مواضع حزب تود در باره جنگ جلب میکنیم:

"با آغاز جنگ تحمیلی عراق با ایران، جوانان رزمند... جوانان رزمند سپاه پاسداران، کمیته‌های انقلاب، ارتش جمهوری اسلامی، بسیجی‌ها و هزاران جوان در ل و ن انقلابی از سراسر کشور، دا و طلبا عازم جبهه‌های نبرد... شدند، تاکنون این گردان‌ها غیرود ل و ن در دفاع از میهن انقلابی حماسه‌های مقاومت و ایستادگی آفریدند." یاد رجائی دیگر مینویسند:

"سربازان، درجه‌داران و افسران ارتش ما، پاسداران و بسیجی‌های د ل و ن و و ایثارگر ما با فد اکاریها و جانبازیهای بی دریغ تاریخ نوین ایران... را میسازند... درود بر رزمندگان جبهه‌ها که این وظیفه تاریخی را انجام میدهند." (۸)

اما آقایان پاسخ دهند همینویسند:

"واقعیت این است که هم پاسداران و هواداران خواهان رژیم اسلامی و هم جوانان و سربازانی که به جمهوری اسلامی عقیده‌ای ندارند، اما سرزمین آباء و اجدادی خود را دوست دارند و تصمیم گرفتند در باره سرنوشته میهن خود و نظام سیاسی آن را حق خود میدانند بدفاع از خانه و کاشانه و استقلال و تمامیت ارضی کشور خود پرداختند و دشمن را مجبور به عقب نشینی کردند، بنابراین جنگ تدافعی ملت ایران یک جنگ تمامعیار میهنی بود." (تاکیدها از ماست)

آیا خوانند عزیز پس از اینهمه فلاکت و بدبختی‌ها در مقایسه نظرات آقایان پاسخ دهند هر هیران حزب تود چه نتیجه‌ای میتواند بگیرد؟ آیا آقایان پاسخ دهند مباحصراحت، مانند رهبران حزب تود نمیگویند: پاسداران جنایتکار و مزدور جمهوری اسلامی خمینی بعنوان پیش‌قراولان و نمایندگان ملت ایران به دفاع از خانه، کاشانه، استقلال و تمامیت ارضی ایران پرداخته‌اند؟ همان پاسدارانی که در ر کردستان در سرکوب مردم مقررمان کرد جنایتها آفرید هاند. همان پاسدارانی که سستان به خون دهما هزار تن از مردم آزاد یخواه و مبارزان ایران آغشته است، اینجا به پاسداران حامی خانه و کاشانه مردم متبذیل میشوند! آیا قلمدان

کردن پاسداران مزدور و روخائن بعنوان میهن پرستان و حامیان استقلال میهن آنهاست تحت نام "آزاد یخواهان آگاه" و "جمهوریخواه عجیب نیست؟ آیا آقایان میبندند که مردم مهادید سخنانشان را مانند نقل و نبات بپزند و فریب حرفهایشان را بخورند؟ خیر آقایان پاسخ دهند مردم بخت ایران به انداز کافی فریب خورد هاند! چرا دست از سر این ملت بیچاره برنمیدارید؟ چرا با سرسختی به ملتی که شکست خورد، زخمی و در حال نابودی است رحم نمیکنید؟ بیائید دست از این همه دروغ و فریب بردارید و بیش از این از ر. ج. ا. تحت لوای دفاع از خانه، کاشانه و استقلال و تمامیت ارضی دفاع نکنید و سنگ جنگ تمامعیار میهنی را به سینه نکلید!

از نظر ما "جنگ میهنی" در شرایطی بوقوع میپیوندد که حاکمیت در دست یک دولت و مکرانیک، ملی و مردمی باشد و کشور مورد تجاوز و بیگانگان قرارگیرد. در این صورت وظیفه مردم احاد ملت آنست که با خیزند و از هر وجب خاک وطن دفاع کنند. کافی است نظری به تاریخ ۵۰ ساله گذشته جهان بیفکنیم تا نمونه‌های بسیاری از این نوع جنگ میهنی را مشاهده کنیم. اما در شرایط کنونی جنگ میهنی یعنی جنگ با رژیم فاشیستی ضد هیی جمهوری اسلامی، جنگ برای ایجاد د مکراسی و آزادی در ایران. مردم کردستان هم اکنون قهرمانانند و انجام این وظیفه خطیر میکوشند. آنان آزاد یخواهان راستینی هستند که در ر جبهه‌های جنگ کردستان به نبرد با پاسداران مزدور و سربازان ر. ج. ا. مشغولند. باید در س آزادگی و آزاد یخواهی را از آنان آموخت نه اینکه تحت لوای نام آزاد یخواهان از پاسداران و سربازان رژیم اسلامی بد دفاع پرداخت.

## در باره پرسش ششم:

بسیار خوب! اگر آقایان پاسخ دهند همه جوابی که خود داده‌اند اعتقاد دارند و آنگونه که میگویند: ارتش و سپاه پاسداران نمیتوانند جد از سیاستهای ر. ج. ا. عمل کنند، پس چرا پیروزی سپاه پاسداران و ارتش تحت فرماندهی رژیم اسلامی را به حساب ملت ایران میگذارند؟ توگوشی که ملت ایران در ای یک دولت و مکرانیک و مردمی است و این جنگ نیز در ر خدمت آرمانهای د مکرانیک مردم قرار میگیرد. شما بخوبی میدانید که جنگ اد امسیاست اما بطریق مسلحانه است و جنگ ایران و عراق مستقیما در ر خدمت سیاستها در نظر گرفته شد. رژیم جمهوری اسلامی است. شما که این مطلب را میدانید چرا از جنگ تمامعیار میهنی رژیم حمایت میکنید؟

بقیه در صفحه ۱۶

جنگ و مواضع انحرافی ...

## درباره پرسش هفتم :

متأسفانه آقایان پاسخ دهند در جواب به پرسش هفتم نیز متوسل به لغت پراکنی شد و جواب ما را بر روشنی نداد. مانند انسان نوشته اند : در اوضاع و احوال کنونی ، خمینی رژیم ولایت فقیه در راس دشمنان داخلی و صد امحسین و دولت عراق دشمن خارجی شماره یک مرد مایران هستند . " اما آقایان محترم بهر حال روشن نکردند که از میان رژیم جمهوری اسلامی عراق کدامیک دشمن اصلی ملت ایران است ؟ البته آقایان با کمال بی انصافی و ناجوانمردانه ما و کلیه نیروهای که صدام قانمعلول روشن و بنا بر واقعیت‌های ایران معتقدند در ج . ا . دشمن اصلی مرد مایران است ، تهمت زدند که عامل دولت عراق میباشیم . بنا بر این مشخص است که آقایان محترم دشمن اصلی مرد مایران را رژیم خمینی نمیدانند و بزعم ایشان دشمن اصلی مرد مایران دولت عراق است . زیرا بهر حال یکی از ایند رژیم میبایست بعنوان دشمن اصلی مطرح گردد . اگر آقایان پاسخ دهند صدام قانمعلول مسئله اعتقاد دارند چرا آنرا روشن بیان نمیکنند تا بتوانیم رستی و یاناد رستی آنرا مورد ارزیابی قرار دهیم ؟

اما آقایان پاسخ دهند در این میان به یک اقدام خارق العاده دیگری مبادرت می ورزند . آنان برای اینکه بتوانند خود را از تناقض گوئی برهانند ، در پی پاسخ به پرسشهای دهگانه مطرح شده ، به درج دومین اعلامیه خود در باره جنگ ایران و عراق مبادرت ورزیدند . در اعلامیه و آمده است :

" ملت ایران به تحقیق خواستار طرد و سقوط دشمن اصلی داخلی ( جمهوری اسلامی ) و پیروزی برد دشمن اصلی خارجی ( رژیم عراق ) ... میباشد ."

اکنون مسئله و بار به صورت روبروشدن یاد دشمن اصلی ، در یک زمان و در وجه مطرح میگردد . آیا این امر قابل قبول است ؟ آیا میتوان یاد دشمن اصلی و در یک زمان و در وجه به مبارزه پرداخت ؟ برای مثال تکلیف عملی مرد مایران در این میان چیست ؟ و دشمن اصلی " یکی عراق و دیگری رژیم خمینی رودر روی آنان قرار دارند و در عین حال این دشمن ، بایکدیگر در جنگ مرگ و زندگی درگیر شده اند ، چه باید کرد ؟ سربازی که در وجه جنگ تفنگ در دست دارد از طرفی روبروی جنایتکاران رژیم اسلامی است و از طرف دیگر رقبالش سربازان عراقی قرار دارند بسوی کدامیک میبایست نشانه گیری و آتش کند ؟ آیا آقایان پاسخ دهند میتوانند این مشکل را حل کنند و جواب مشخص عملی و منطقی ارائه دهند ؟

اما بنظر ما و بنا بر اصول غیر قابل انکار علمی و جامعه شناسی و

همچنین قانون مند بیهای و رونی پدیدها و جنگها غیر ممکن است . کهبتوان در یک آن و در وجه همعیند ارای و دشمن اصلی بود و بهر حال یکی میبایست در رصد قرار گیرد و بعنوان دشمن اصلی و عمد در یگیری راتحت الشعاع قرار دهد . هیچ راهگریزی وجود ندارد . شناخت در باره مسئله تضاد عمد در رجوامع و جنگها یکی از مهمترین وظایف آن نیروهای پیشرفته ایست که میخواهند مرد مرابه سرمنزله پیروزی رهنمون گردند . باید با کمال اطمینان بیان کرد که بدون اتکا به سلاح شناخت علمی در باره مسئله تضاد عمد و دشمن اصلی امکان پذیر نیست تا بتوان کوچکترین گامی در مبارزات و مکرراتیک کنونی ایران بجلو برداشت . تعیین دشمن اصلی مرد مایران - ونه و دشمن و یا چند دشمن اصلی - ضروری ترین و مهمترین مسئله در مبارزات آزاد یخواهان کنونی است .

ما فکر میکنیم که علی رغم ضد و نقیض گوئی های آقایان پاسخ دهند آنان دشمن اصلی مرد مایران را دولت عراق معرفی میکنند . ولسی چون این امر - آگاهانه و یا نا آگاهانه - آنان را فرود رجه به رژیم اسلامی قرار میدهد ، آنان متکی به ثنوری من در آوردی " و دشمن اصلی " شده اند . البته ما در رون ایران با این نوع تفویضات غیر علمی روبرو بودیم . آقای خمینی نیز از دشمن اصلی آمریکا و شوروی سخن میگفت و همچنین برخی از سازمانهای " چپ " کسه بعد ها - بدلیل شناخت نادرست - از همپاشید شدند از " و دشمن اصلی " سخن میگفتند . اکنون بیهودگی و شکست ایسن گفتارها عیان شده است . بنا بر این بجاست آقایان پاسخ دهند اگر واقعا میخواهند از انحرافات خود دست بکشند . خطاهای خود را در باره دشمن اصلی مرد مایران مورد انتقاد قرار دهند و رفع اشتباهات خود بکوشند . ( برای توضیح بیشتر و کمک به روشن شدن مسئله ما توجه آقایان پاسخ دهند را به مقاله " دشمن اصلی مرد مایران کیست ؟ " آزادی ایران شماره ۲ و همچنین مقاله در باره برخی از مسایل مربوط به دشمن اصلی مرد مایران " آزادی ایران ۱۰۹۱ و ۱۱۰۹ جلب میکنیم .

## درباره پرسش هشتم و نهم :

بنظر ما در ج . ا . عامل اصلی بدبختیها ، ستمها ، سرکوبها و مرارتها در بشمار کنونی ملت ایران است . بهمین علت رابطه مبین در ج . ا . و مرد مایران رابطه ای است خصمانه و آشتی ناپذیر . و این امر در شرایط کنونی تضاد عمد هجامعه ایران را تشکیل میدهد . یعنی اگر ما بخواهیم در باره جنگ ایران و عراق موضع گیری کنیم ، باید به این تضاد عمد هجامعه توجه کامل میدول نماییم . اگر به مسئله



## جنگ و مواضع انحرافی ...

اختلافات بین جناحهای د رونی رژیم میبرد ازیم ، باید باد رنظر گرفتن این امر اساسی آنها را مورد ارزیابی قرار د هیم . و یا اگر د یاره سیاستهای د اخلی و خارجی رژیم میخواهیم اظهار نظر و موضعگیری کنیم باید این تضاد عمد ه را مد نظر آ وریم . بنظر ما کلیه روابط ایرانیان د ر د اخل و خارج از کشور و همچنین روابط بین نیروهای مختلف اپوزیسیون ، سازمانها و گروههای مختلف و وسایل بین المللی نیز باید از این د ید گاه و یاد ر نظر گرفتن این تضاد عمد ه جا معه ایرا مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد . هرگونه انحراف از این امر بضرر میارزات آزاد یخواهان و د مکرانیک مردم ایران محسوب میگردد . بنابراین تمام هم و غم کلیه آزاد یخواهان راستین و میهن پرستان و نیروهای مترقی و د مکرانیک میبایست صرف حل ایسن تضاد عمد ه جا معه ایران یعنی سرنگونی ر ج . ا گرد د . ایسن رابطه آشفتی ناپذیر و کاملاً خصمانه بین مردم ر ج . ا مسئله پرداخت خسارات و غرامات جنگی را نیز د ر بر میگیرد .

البته توجه به این تضاد و رابطه آشفتی ناپذیر بین ملت و رژیم اسلامی ممکن است برای آقایان میانجی گر جنگ و سفیران سازمان مسلط متحد مطرح نباشد . زیرا آنان میخواهند با بیطرفی بین د و کشور متخاصم ، جنگ خاتمه یابد و صلح برقرار گردد . اما کسانی که خود را ایرانی میدانند و د ر ر و ن اپوزیسیون بی د رویبکرایران ادعای مبارزمی امان را با " دشمن اصلی د اخلی " دارند ، نه تنها نمیتوانند مانند سفیران و میانجیگران بیطرف رفتار کنند ، بلکه جائز نیست با تقاضای پرداخت غرامات و خسارت - آنها هم د ر شرایطی که ر ج . ا بر میهن ما حاکمیت دارد با ادعای بی پایه " دفاع از منافع و مصالح ملت ایران " موجب تقویت اقتصادی ، سیاسی و دیپلماتیک ر ج . ا گردند . باید این حقیقت را پذیرفت که تقاضای پرداخت غرامت بوسیله ر ج . ا د ر شرایط کنونی امری است که خود ا و مربوط است . زیرا این رژیم اسلامی است که د ر حاکمیت قرار دارد . و مسلماً به منافع خود د ر جنگ ایران و عراق توجه کافی میدول داشته و خوبی میداند چگونه بوسیله سخرنگویان و نمایندگان و سفیران فراوان خود از منافعش ( نه منافع مردم ایران زیرا با منافع رژیم صد د رصد د تضاد است و یک د ولت مردمی د ر حاکمیت قرار ندارد ) به بهترین وجهی دفاع کند . اما تقاضای پرداخت خسارات و غرامات - د ر هنگامیکه رژیم اسلامی د ر قدرت است - از جانب آقایان پاسخ د هند نه تنها جائز نیست بلکه به محض تقاضای خسارات و غرامات آقایان - چه بخواهند و یا چه نخواهند - خود را د ر جنبه رژیم اسلامی خمینی قرار مید هند . آن

همد ر و ن اپوزیسیون ایران و تحت لوای " آزاد یخواهان آگاه " لایق گفته آقایان پاسخ د هند : " میزان خسارات اقتصادی از آغاز جنگ تا پایان ۳۶۳ ( بالغ بر ۴۰۰ میلیارد د لار است . " بسیار خوب فرض کنیم ما این آمار را میپذیریم . اما اجازه دهید برای روشن شدن مطلب سوالی غرض کنیم : اگر د ولت عراق همین فردا قبول کند که ۴۰۰ میلیارد د لار را بعنوان پرداخت خسارات و غرامات به ر ج . ا بپردازد ، د ر شرایطی که رژیم اسلامی با بحران شدید ارزی و اقتصاد ی ر و بر روست ، آیا ۴۰۰ میلیارد د لار د ر بهترین موقعیت ممکنه کمک به تقویت و استحکام اقتصادی ، دیپلماتیک و سیاسی و . . . رژیم نخواهد کرد ؟

شما د ر پاسخ به این سوال جواب مید هید : ( این امر ) بهیچ وجه به تحکیم جمهوری اسلامی منتهی نمیشود ، زیرا رژیم و لایت فقیه از اساس قابل تبدیل شدن به یک سیستم سیاسی مقید به قانون نیست .

آخراً آقایان محترم این کلامشمانا چه اند از غیر منطقی و ساده لوحانه است . شما میتوانید این مطلب را - پرداخت ۴۰۰ میلیارد د لار به ر ج . ا موجب تحکیم رژیم نمیشود - با هر کسی که متعقل و تفکر و د و تا چهارتای روابط اقتصادی - سیاسی را بداند مطرح کنید ، ببینید به شما چه خواهند گفت ؟ ما این منطق شما را با بسیاری از د وستان ایرانی و خارجی مطرح کردیم ، برخی از آنان که شما را نمیشناسند ، تعجب کردند که د ر و ن اپوزیسیون هستند افرادی که این چنین از منافع ر ج . ا دفاع میکنند !

شما میگوئید : چون این رژیم مقید به قانون نیست . ۴۰۰ میلیارد د لار به او کمک نمیکند ؟ این گفته شما بسیار غیر واقع بینانه و کود کانه است . زیرا کلیه رژیمهای سرکوب گر و غیر قانونی که بوسیله قدرت های بزرگ سلطه گر بوجود آمد هاند ، اتفاقاً بوسیله " و امها " کمکهای خارجی است که میتوانند به حیات خود ادامه دهند . بنابراین میتوان تصور کرد که یک رژیم " غیر قانونی " مانند ر ج . ا چگونه میتواند از ۴۰۰ میلیارد د لار غرامت استفاد ه کند !

د ر عین حال شما مطمئناً میدانید : اگر رژیم اسلامی نمیتوانست با فروش نفت ارز خارجی بدست آورد ، د ر اندک مدتی ازیسای د ری آمد . حال میتوان بایک حساب سرانگشتی و د ر نظر گرفتن د ر آمد سالانه رژیم از فروش نفت ( ۶ - ) ( ۱ میلیارد د لار ) ارزیابی کرد که ۴۰۰ میلیارد د لار چگونه و تا چه مدتی میتواند حیات اقتصاد ر ج . ا را تضمین کند . البته همه میدانند د ر صورت دریافت این ۴۰۰ میلیارد د لار رژیم مطمئناً آنرا د ر جهت بازسازی مناطق صنعتی ، شهرها و مناطق مسکونی بکار نخواهد برد . رژیم آنرا بقیه د ر صفحه ۱۸

## جنگ و مواضع انحرافی ...

برای گسترش و تقویت سپاه پاسداران، ارتش و برای سرکوب و کشتار مردم ایران در اقصی نقاط کشور و مخصوصاً در کردستان و توسعه ماشین جنگی برای تاج و زود خالت هر چه بیشتر در منطقه بکار خواهد بست. آیا جز این از رژیم جنگ طلب و ضد مردمی جمهوری اسلامی میتوان انتظار دیگری داشت؟ آقایان پاسخی دهند در جواب به پرسش هشتم از ما سوال میکنند "آیا هیچ ایرانی با انصاف واقع بینی که یک ذره بمب سرنوشت ایران و ملت ایران علاقه و دلبستگی داشته باشد، میتواند از تقاضای پرداخت خسارات وارده به منظور بازسازی نا سیستان صنعتی... صرف نظر کند؟ آیا ایران ملک طلق خمینی ورفسنجانی و... است که آزاد بخواند ایران از ترس اینکه غرامت به آنان پرداخت گردد و "ملاخور شود"، از تقاضای پرداخت غرامت از دولت متجاوز چشم پیهوشند؟"

خیر آقایان، ما برخلاف شما هیچگونه توهمی نسبت به رژیم خمینی نداریم. ما اتفاقاً چون انصاف واقع بینی و عشق به آزادی و سرنوشت ایران و ملت در بندش داریم، هرگز حاضر نیستیم تحت هیچ شرایطی به حمایت و طرفداری - مانند پرداخت غرامت به رژیم جنایتکار خمینی - از ر.ج. ۱۰ بپردازیم. ما اتفاقاً چون ایران را "ملک طلق" خمینی، رفسنجانی و... نمیدانیم، میگوئیم: باید اول آنها را سرنگون کرد و سپس خواندها را پرداخت غرامت کردید. ما در ایران بایک رژیم هیتلری روبرو هستیم، باید او را اول از بین برد! چرا شما نمیتوانید این مسئله را درک کنید؟ دفاع از منافع و مصالح ملت ایران در شرایط کنونی یعنی مبارزه برای سرنگون کردن رژیم جمهوری اسلامی! چرا شما میخواهید در این راه انحراف بوجود آورید؟ آنها تحت لوای تقاضای پرداخت خسارت برای آبادانی و بازسازی ایران؟ آیا واقعا شما فکر میکنید که رژیم با دریافت غرامت ۴۰۰ میلیارد دلار به بازسازی و آبادانی ایران خواهد پرداخت؟ ما آرزو مندیم شما آقایان پاسخی دهند به این پرسشهای حساس جواب دهید!

### درباره پرسش دهم:

آخرین پرسش ما از آقایان این بود که: اگر عراق به ایران بازرگانی بکند، مانند او این جنگ - مثلاً خوزستان و یا کردستان را اشغال کند. آیا آقایان چه خواهند کرد؟ بهر حال آنان بعلت آنکه فدای "جنگ میهنی" و "تمامیت ارضی" و "جنگ تدافعی" و تمام عیار میهنی پرداخته اند، میبایست فوراً بتوانند به ایمن

پرسش ساد ه جواب گویند. اما آقایان متاسفانه، مانند سایر پرسشها از ارائه پاسخ روشن و مستقیم خود دری کرده اند. اما برای روشن شدن هر چه بیشتر مطلب با توجه به مواضع و نظریات ارائه شده از طرف آقایان پاسخی دهند. جواب پرسش دهم میبایست به شرح زیر ارائه میگردد:

"آری ما" آزاد بخواند آگاه و جمعی بخواند ملی ایران" مانند "پاسد اران و هوا خواندها رژیم اسلامی (که سرزمین آبا و اجداد ای خود را دست دارند و تصمیم گرفتن در باره سرنوشت میهن خود و نظام سیاسی آنرا حق خود میدانند، به دفاع از خانه و کاشانه و استقلال و تمامیت ارضی کشور (میبرد ازیم) و دشمن را مجبور به عقب نشینی (میکنیم) "زیرا" جنگ تدافعی ملت ایران یک جنگ تمام عیار میهنی است."

(نقل به معنی از پاسخ آقایان پاسخی دهند به پرسش پنجم) اینست آن جوابی که آقایان در هنگام تاج و عراق به خاک ایران داد و در صورت تکرار (مگر اینکه دست از مواضع کنونی خود بردارند) خواهند داد. اما آقایان متاسفانه بدلیل چسبندگی خود استند به آن بپردازند.

حال که بهایان سخن نزد یک میثوب برای اد کردن حق مطلب ما چند سوال ابتدائی ساد ه در یگرا از آقایان پاسخی دهند داریم که امیدواریم با صراحت و روشنی به آنها جواب گویند: شما آقایان محترمی که در نیای حرف و سخن در باره "جنگ تمام عیار میهنی" و دفاع از خانه و کاشانه و استقلال و تمامیت ارضی ایران میان میآورید و شاید هیچکس مانند شما نتوانسته است از حقوق ملت ایران به دفاع برخیزد، و واقعا به گفته های خود ایمان و اعتقاد دارید، چرا هنگامیکه عراق به ایران تاج و زکر و قسمتهای از خاک ایران را اشغال نمود، در جنگ میهنی رژیم و دفاع از استقلال و تمامیت ارضی ایران بر علیه دشمن تاج و زکار شماره ۱ خارجی ایران شرکت نکردید؟ چرا با این همه آگاهی و روشن بینی و اعتقادات عمیق ملی عملاً نخواستید پیشاپیش پاسد اران و سر یازان و هوا خواندها ر.ج. ۱۰ در جنگ میهنی شرکت کنید تا آنها و شما بتوانید در لیرانه دشمن تاج و زگر را از خاک میهن بیرون رانید؟ شما نمیتوانستید

بجای این همه سخن سرائی آنها در خارج کشور، در داخل مرزهای ایران حماسه های بس شگرفی از میهن پرستی بیافرینید و نمونه های ارزنده ای برای پاسد اران و سر یازان و مردم فریب خورده و نا آگاه میهن باشید. چرا بدین امر مهم مبادرت نورزیدید؟

همانگونه که خوانندگان عزیز ملاحظه مینمایند، ما تا حد و دی



## جنگ و مواضع انحرافی ...

یادداشتها

- کوشش نمودیم تا بتوانیم پرسشهای دهگانه‌ای که آقایان پاسخ دهند نتوانستیم و بد رستی جواب گویند را پاسخ گوئیم .
- هدف از این امر اینست که بتوانیم درباره جنگ ایران و عراق ، به مثابه یکی از مسایل اساسی و بسیار مهم جامعه ایران ، به رفع ابهامات و موضعگیریهای اشتباه آمیزی که چون بختگی بر سر بر خسی از نیروهای اپوزیسیون سایه افکند ، ناعل گردیم . ما امید داریم این بحثها هر چه بیشتر ادامه یابد و سایر نیروهای د مکراتیک ، آزاد یخواه و مترقی نیز بتوانند بسهم خود در این راه در رفع اشکالات و ابهامات بکوشند . همچنین ما امید داریم آقایان پاسخ دهند به جواب به پرسشهای مطرح شده در این نوشته را راه انداز و آنرا در اختیار از هان عمومی قرار دهند ، تا مردم آگاه و کلیه نیروهای د مکراتیک ، آزاد یخواه و مترقی در باره آن به قضاوت بنشینند تا راستی از ناستی باز شناخته شود .
- ۱- از گزارش تحلیلی خانه‌های بنام سبت هفته جنگ " روزنامه کیهان ۶۱/۶/۲۱
- ۲- از متن پیشنهادات برای برقراری صلح کمیته صلح سران کشور ۵۹/۱۲/۱۵
- ۳- روزنامه کیهان ۶۱/۸/۳
- ۴- این قطعنامه در تاریخ ۸۲/۱۰/۶ صادر گردید .
- ۵- روزنامه کیهان ۶۳/۹/۷
- ۶- روزنامه کیهان ۶۱/۶/۳۱
- ۷- " جوانان همراه انقلاب " پاسداران انقلاب ، زهره قائینی انتشارات حزب تود هایران بهمن ۶۰
- ۸- جنگ تحمیلی محکوم به شکست است . ه. حاتی ، انتشارات حزب تود هایران بهمن ۶۰

## پرسشهای نشریه "آزادی ایران" و پاسخ "جمهوریخواهان ملی ایران"

(به نقل از نامه آزادیخواهان شماره ۵)

نیز فتح خواهد نمود و برجم انقلاب اسلامی را در سراسر عراق (و بعد در سایر کشورها) به اهتزاز در خواهد آورد . و بهمین دلیل ، جنگ را ادامه داد (علاوه بر بهره برداری سیاسی و اجتماعی که از این رحمت و برکت - بقول آقای خمینی - در داخل ایران برای کوبیدن میخ استبداد دینی می کرد) . در ظاهر امر ، منافع رژیم ولایت فقیه در ادامه جنگ نهفته است که ارتباطی به ملت ایران - ملت مخالف جنگ - ندارد .

وقتی تجاوز نظامی دولت عراق نتوانست به پیروزی برسد مجبور به عقب نشینی شد ، دیگر "منافع رژیم عراق در ادامه جنگ نهفته" نبود ، اما این امر سرسوزنی از مسئولیت دولت عراق در تجاوز نظامی به ایران نمی‌کاهد . مخالفت سیاسی و اصولی ما با رژیم ولایت فقیه کثرین تغییر در این واقعیت نمی‌دهد .

سؤال سوم - کدام یک (از دو رژیم ایران و عراق) خواهان پایان جنگ هستند؟

پاسخ - پایان جنگ ، چنان که از این پیش نیز گفتیم ، به سود عراق است ، پس رژیم عراق خواهان پایان جنگ است . اما این امر چیزی را در زمینه آغاز جنگ ، یعنی آغاز تجاوز نظامی عراق به خاک ایران ، ثابت نمی‌کند .

سؤال چهارم - آیا رژیم اسلامی ، با عمده نمودن جنگ به عنوان مسئله اصلی ، به تحکیم و تثبیت ارکان خود نپرداخته است؟

پاسخ - رژیم اسلامی ، برخلاف تصور سؤالکنندگان ، هیچ یک از ارکان اجتماعی - اقتصادی - اداری - نظامی - فرهنگی خود را به عنوان یک دولت و یک سیستم سیاسی تحکیم و تثبیت ننموده است . رژیم اسلامی بر دوجور فساد و سرکوب به حیات خود ادامه می‌دهد .

تحریکات و وعده "مدور انقلاب اسلامی" رژیم جمهوری اسلامی نیست . مسئولیت آغاز جنگ با دولتی است که دست به تجاوز نظامی زده و به خاک ایران لشکر کشیده است . و این موضوع هیچ ربطی به مخالفت سیاسی و اصولی ما با رژیم ولایت فقیه ندارد .

سؤال دوم - منافع کدام یک از دو رژیم ایران و عراق در ادامه جنگ نهفته است؟

پاسخ - رژیم استبدادی عراق و رهبر خودخواه و خود بزرگبین و قدرت طلب آن صدام حسین که در کشور خود با مشکلات سیاسی و اجتماعی فراوانی روبرو بود ، مانند اکثر قریب به اتفاق رژیمهای دیکتاتوری ، تصور می‌کرد با حمله نظامی به ایران (ایرانی که قدرت نظامی و ارتش آن تا حد زیادی مضمحل شده بود و دولتش با هزار و یک مشکل ریز و درشت و از جمله تعدد مراکز تصمیم گیری دست به گریبان بود) و بابت آوردن یک پیروزی نظامی آسان و سریع ، هم مشکلات داخلی خود را تحت الشعاع قرار می‌دهد و هم موفقیت سیاسی و اقتصادی و اهمیت و اعتبار (پرستیژ) دیپلماتیک بزرگی نصیب می‌شود . اما وقتی در میدان عمل دید ، برخلاف آنچه مشاوران نظامی و سیاسی عراقی و "ایرانی" اش به او گفته بودند ، نه تنها در این جنگ پیروزی نظامی آسان و سریعی به

دستش نیامد ، بلکه احتمال دارد با شکست نظامی (و سیاسی) مواجه شود و در هر حال توانایی و قدرت تحمل یک جنگ فرسایشی درازمدت را (نه از نظر اقتصادی و نه از لحاظ نیروی انسانی) ندارد ، متوجه شد که ادامه جنگ برایش "منافی" ندارد . بهمین دلیل (و نه به خاطر احساسات شردوستانه و یا احترام به حقوق و منافع مردم ایران) تقاضای خاتمه دادن به جنگ (جنگی را که خود آغاز کرده بود) را کرد . اما دولت جمهوری اسلامی که موفق شده بود (با تحریک احساسات ضد دشمن تجاوزگر و پرداخت بهای انسانی بسیار سنگین) ارتش عراق را به عقب راند و پیروزیهایی در جبهه جنگ بدست آورد ، مست باده غرور شد و تصور کرد که در طول چند روز و چند هفته کربلا و بغداد (و سپس اورشلیم) را

سؤال اول - کدام یک از دو کشور ایران و عراق تحت لوی "مدور انقلاب اسلامی" مدتها پیش از آغاز جنگ به دخالت در امور داخلی کشورهای همسایه پرداخت و زمینه ایجاد جنگ را با تحریکات بسیار برای سرنگون کردن دولت های همسایه بوجود آورد؟

پاسخ - سؤالکنندگان محترم فراموش کرده اند که طبق دلایل و اسناد غیرقابل انکار و مستند به اعتراضات آقای صدام حسین ، عراق اساساً در فکر حمله نظامی به ایران - تجدید ماجرای فادسیه - و به این منظور در انتظار بهانه‌ای برای تجاوز نظامی بود . اگر طبق قول سؤالکنندگان محترم "دخالت در امور داخلی کشورها" از سوی دولتی مبنای "تجاوز نظامی" دولت دیگر قرار می‌گرفت ، تقریباً همه کشورهای جهان باید بطور دائم ، در حال و گذشته و آینده ، با یکدیگر در حال جنگ و لشکرکشی و دخالت مستقیم نظامی باشند . بنابراین ، از یک طرف صرف "دخالت در امور داخلی کشورهای همسایه" و تبلیغ و تحریک و خرابکاری نمی‌تواند توجیه کننده دخالت نظامی و تجاوز مسلحانه دولتی به خاک دولت دیگر باشد . از طرف دیگر ، آیا سؤالکنندگان محترم دلایل و اسنادی در دست دارند که طبق آنها عراق در فکر حمله نظامی به ایران نبود و یا در انتظار بهانه‌ای برای تجاوز نظامی به خاک ایران ننشسته بود؟

آن دسته از افراد و گروههای سیاسی ایرانی که با دولت عراق سر و سری دارند و از کنکهای مالی و سیاسی آن برخوردارند ، چنین استدلال می‌کنند که "مسئول واقعی جنگ ایران و عراق ، خمینی است" . آزادبخواهان و ملیون ایران این استدلال را نمی‌پذیرند ، زیرا بر واقعیت استوار نیست . واقعیت این است که رژیم حاکم عراق مسئولیت آغاز جنگ را در پانز سال ۱۹۸۰ به انگیزه خود بزرگبینی ، برتری طلبی و کشورگشایی با تمام خسارات وارده آن به ملت ایران بر عهده دارد .

در هر حال ، کسی که قصد آغاز جنگ را نداشته باشد ، پاسخ تبلیغات و تحریکات را با تجاوز نظامی نمی‌دهد . تجاوز نظامی دولت عراق به ایران به هیچوجه متناسب با تبلیغات و

بقیه از صفحه ۲۲

سخنی پیرامون مقاله جنگ، آلترناتیوها،...

ایجاد اغتشاش و بی ثباتی در منطقه یکی از سیاستهای عمد رژیم بود و نتیجه یکی از علل اساسی جنگ، اجرا و ادامه این سیاست از جانب رهبران رژیم جمهوری اسلامی بوده است. پس اصولاً این جنگ در رطن خود هیچگاه نمیتوانست ثبات و آرامش را به منطقه ارمغان آورد. و مسلماً از این هرج و مرج و بی ثباتی برخی از کشورهای قدرتمند خارجی بنبغ مقاصد (توسعه طلبانه) خویش بهره برداری نمودند. در ایسن باره ما در اولین شماره "آبان" نوشتیم:

"ماهیت رژیم ضد انسانی خمینی که بدون اتکاء به قدرتهای خارجی لحظه ای نمیتواند به روی پای خود بایستد، جز تجلوز هرج و مرج، کشتار و نابودی انسانها، تهدید و بد خالتی در امور کشورهای دیگر و اعزام تروریست به کشورهای مختلف و... نمیتواند باشد و تنها هدفش نیز از ادامه جنگ بقای رژیم خود، ایجاد آشوب و تشنج در منطقه و موجود آوردن رژیمهای از نوع "جمهوری اسلامی" در منطقه است."

صحت این سخنان که ما گمان باقی است. و با توجه به واقعیات موجود بد رستی میتوان گفت که رژیم جنگ طلب جمهوری اسلامی در ادامه این سیاست همچنان مصراست و گام برمیدارد.

آقای فرزند در شماره قبل "کمونیست" در مقاله ای تحت عنوان "امپریالیسم جمهوری اسلامی و نگاه لیبرالها" در رابطه با جنگ گفته بودند:

"جنگ ارتجاعی ایران و عراق از نقطه نظر امپریالیسم به پایان در وران مطلوب خود نزدیک میشود." در حالیکه در مقاله اخیر "کمونیست" شماره ۲۲ از بی ثباتی و بحران در منطقه

سخن گفته و بیان میکنند: "در آستانه ششمین سال جنگ ایران و عراق چشم انداز برای پایان آن نیست." از ملاحظه و موضوع گیری متناقض فوق در و شماره متوالی چه نتیجه ای گرفته میشود؟ اگر آقای فرزند در نظریاتشان تجدید نظر کرده و در مورد پایان جنگ به نتیجه گیری نوینی رسید هاند که مفایر یا موضوع گیری قبلی شان است، بجاست ایشان در مقاله اخیرشان در شماره ۲۲، علت این امر را بیان مینمودند تا خوانندگان را در چار توهم و گیجی نسازند. در غیر این صورت با استناد به قسمتهائی از نوشته قبلی شان که در آن از "پایان مطلوب جنگ" سخن رفته است، ضروریست ایشان توضیح دهند که چگونه این جنگ به پایان در وران مطلوب خود نزدیک میشود، بدون آنکه به هدف خویش که بنا بر اظهار ایشان "احیای ثبات در منطقه بود" هاست، رسیده باشد؟

پاسخ این تناقضات چیست؟ چگونه است که علیرغم خواست و نیاز بورژوازی و امپریالیسم به ثبات در منطقه، یکباره امپریالیسم بدون دستیابی به این هدف، خواهان پایان جنگ میشود؟

همچنین آقای فرزند در شماره ۲۱ "کمونیست" نوشته اند: "امروز سیاستمداران و ولترمدان کشورهای امپریالیستی از ضرورت صلح سخن میگویند." و در شماره ۲۲ کمونیست از قول ایشان میخوانیم: "این جمهوری اسلامی است که عامل تداوم و تشدید جنگ است و جنگ را با خطر بقای خویش ادامه میدهد."

نویسند که جنگ را جد از سیاستهای بورژوازی ایران و عراق ارزیابی کرده و آن را نیاز کل بورژوازی و امپریالیستها برای ایجاد ثبات در منطقه خوانده هاند، ممکن است به این سوال پاسخ روشن دهند که چه عواملی باعث میشود در شرایطی که سیاستمداران و ولترمدان کشورهای امپریالیستی خواهان

پایان جنگ میباشند، قادر نیستند به آن عینیت بخشند؟

از مطالب مطرح شده، توسط نویسند ه چنین استنباط و نتیجه گیری میشود که رژیم جمهوری اسلامی بطور مستقل و جدا از خواسته های امپریالیسم عمل میکند و تنها اوست که خواهان ادامه جنگ است. در اینجا این سوال مطرح میشود که: رژیم جمهوری اسلامی با اتکاء به چه نیروها چه پشتوانه ای جدا از خواست قدرتهای بزرگ امپریالیستی عمل کرد و جنگ را ادامه میدهد؟ نویسند ه در ادامه مقاله به تغییر و تحولاتی که بد نیال جنگ در منطقه حاصل شده است، اشاره مینمایند و این تغییرات را در موازنه رقابت های امپریالیستی میان آمریکا و شوروی به نفع ارد و گاه غرب ارزیابی میکنند و چند سطر بعد، این تحولات را مستقیماً و در راستای منافع امپریالیسم بطور مشخص امپریالیسم آمریکا میخوانند. در اینجا باید از آقای فرزند سوال نمائیم: شما که به بیان تغییر و تحولات منطقه پرداخته اید، نقش اتحاد شوروی را در این جنگ چگونه ارزیابی می نمائید؟ و چرا به مسئله حضور شوروی در افغانستان که پس از آغاز جنگ ایران و عراق یکی از مهمترین تغییرات در منطقه بوده است، اشاره ای نمیکند؟

نویسند ه در ادامه مقاله با خصوصیات که برای رژیم بهر میسرمد، کوششهای جمهوری اسلامی را در راستای سیاست "پان اسلامی" امپریالیستها در منطقه ارزیابی کرد و پیشترت و قدرت گیری این آلترناتیو را شرط تعیین کنند مثبتیت رژیم کمونی ایران در نظر و امپریالیستها به حساب می آورند. و اصرار رژیم جمهوری اسلامی در ادامه جنگ در جهت سقوط رژیم عراق را پاسخ مشخص به این ضرورت میخوانند.

حال با توجه به این امر که جنگ ایران و عراقی چه در سطح منطقه ای و چه در سطح



بقیه از صفحه ۱۹

پرسشهای نشریه "آزادی ایران" ♦♦♦

سوال پنجم - آیا آن گونه که رژیم خمینی و برخی از احزاب و سازمانها در اوایل جنگ ابراز می کردند، جنگ ایران و عراق یک جنگ میهنی است؟

پاسخ - رژیم بعثی عراق و رژیم اسلامی ایران هیچ یک رژیم وابسته به حاکمیت ملت و نماینده آرای واقعی مردم نیستند. اما آیا مردم ایران (حتی کسانی که دشمن قسم خورده رژیم اسلامی هستند) می توانستند تجاوز نظامی عراق را به مهبین خویش ببینند و خاموش بنشینند و بگذارند دشمن خارجی ایران را تسخیر و تصرف کند و دولت دست نشانده خود را بر سرگاز آورد و با بخشی از کشور ما (مثلاً "خوزستان") یا ضمیمه سرزمین عراق کند؟ واقعیت این است که هم پاسداران و هواداران رژیم اسلامی و هم جوانان و سربازانی که به جمهوری اسلامی علاقه و عقیده ای ندارند، اما سرزمین آباء و اجدادی خود را دوست دارند و تصمیم گرفتند دربارۀ سرنوشت میهن خود و نظام سیاسی آن را حق خود می دانند، به شدت از خانه و کاشانه و استقلال و تمامیت ارضی کشور خود برداشتند و دشمن را مجبور به عقب نشینی کردند. بنابراین جنگ تدافعی ملت ایران یک جنگ تمام میهنی بود.

سوال ششم - آیا ارتش و سپاه پاسداران می توانند مستقل از سیاستهای جنگ طلبانه رژیم اسلامی عمل کنند؟

پاسخ - اگر منظور این است که در حال حاضر ارتش و سپاه پاسداران می توانند مستقل از سیاستهای رژیم اسلامی (و مثلاً "بر ضد رژیم اسلامی") عمل کنند، تا جایی که ما اطلاع داریم، پاسخ منفی است.

سوال هفتم - با در نظر گرفتن این که نمی توان در آن واحد دارای دو دشمن اصلی بود، دشمن اصلی مردم ایران کیست؟

پاسخ - ملت ایران و آزادیخواهان ایرانی دشمنان داخلی و دشمنان خارجی فراوانی دارند. در اوضاع و احوال کنونی، خمینی و رژیم ولایت فقیه در رأس دشمنان داخلی و صدام حسین و دولت عراق (که مسئول تجاوز نظامی به خاک ایران و مباران شهرها و هدفهای غیر نظامی و ایجاد تلفات انسانی و خسارات اقتصادی و ویرانی میهن ماست) دشمن خارجی شماره یک مردم ایران هستند. آن دسته از گروهها و احزاب و سازمانهای سیاسی ایرانی که با دولت عراق سر و سری دارند و از کمکهای مالی و سیاسی آن برخوردارند، این "تز" را تبلیغ و ترویج می کنند که "دشمن اصلی رژیم اسلامی است" و تصور می کنند که با این استدلال می توانند همکاری سیاسی و نظامی و تبلیغاتی خود را با دولت عراق توجیه کنند. نباید فریب آنان را خورد - و مردم ایران فریب آنان را

نخواهند خورد. سوال هشتم - آیا آزادیخواهان ایران می توانند قبل از سرنگونی رژیم اسلامی بطور "ناخودآگاه" به سخنگوی جمهوری اسلامی تبدیل شده و در درون اپوزیسیون تقاضای خسارات وارده از دولت عراق را بنمایند؟

پاسخ - اصل پرداخت غرامت برای طرفی که مقدم تجاوز نظامی و اغفال خاک طرف دیگر بوده جزء اصول و کنوانسیون - های بین المللی است. چون ما با رژیم ولایت فقیه مخالفیم نمی توانیم فقط به این دلیل این واقعیت را نادیده بگیریم. دولت عراق چون مسئول آغاز جنگ با ایران است باید اصل پرداخت خسارات وارده را بپذیرد. بنابراین، بیان این مطلب خود به خود کسی را تبدیل به سخنگوی جمهوری اسلامی نمی کند. نکته دیگر این که تقاضای پرداخت خسارات وارده فرع بر آتش بس و آغاز مذاکرات صلح و مرتبط با توارن قوای نظامی و سیاسی طرفین دعوا و میزان ضرورت و نیازی است که هر یک از طرفین برای رسیدن به صلح دارد. طبق تخمینهایی که متخمنان و اقتصاددانان مورد اعتماد ما می زنند، میزان خسارات اقتصادی از آغاز جنگ عراق با ایران تا پایان سال ۱۳۶۳ بالغ بر چهارصد میلیارد دلار است. سوال ما از شما این است که: آیا هیچ ایرانی با تصاف و واقع بینی که یک ذره به سرنوشت ایران و ملت ایران علاقه و دلبستگی داشته باشد، می تواند از تقاضای پرداخت خسارات وارده به منظور باز ساختن تأسیسات صنعتی آبادان و خرمشهر و خانه های مردم آواره و مدارس و... صرف نظر کند؟ آیا ایران ملگ طلق خمینی و رفسنجانی و منتزعی و خامنه ای و خلخالی است که آزادیخواهان ایران از ترس این که غرامت به آنان پرداخت گردد و "تلاخور شود"، از تقاضای پرداخت غرامت از دولت تجاوز چشم پویشند؟

دفاع از منافع و مصالح ملت ایران، در اتحاد و جماعات آن، تبدیل شدن - حتی بطور "ناخودآگاه" - به سخنگوی جمهوری اسلامی نیست. به نظر جمهوریخواهان واقعی و آزادیخواهان آگاه ایران رژیم اسلامی (نظیر هر رژیم مستبدی) که مشروعیت خود را از زیر پا گذاشتن قانون اساسی مصوب خود ملاحظا می گیرد و اساس حکومتش بر تجاوز دائمی به حقوق مردم ایران است، از بیخ و بن فاقد مشروعیت می باشد.

سوال نهم - در چنین صورتی، در هنگامی که رژیم اسلامی بر ایران حاکم است، این خسارات به کدام مرجع از طرف عراق باید پرداخت گردد؟ و اگر دولت عراق "به مسئولیت شروع جنگ کردن نهاده پرداخت خسارات وارده را با احواله سریع امر به داوری در یک مرجع بین المللی بپذیرد" و به رژیم ایران خسارات وارده را بپردازد، آیا دریافت چنین خساراتی کمک به تحکیم رژیم چنایتکار اسلامی نمی کند و آزادیخواهان ایران در این مورد چه موضعی را باید اتخاذ کنند؟

پاسخ - گرفتن غرامت (به ویژه با توضیحاتی که در پاسخ به سوال پیشین درباره آن دادیم) بهیچوجه به تحکیم جمهوری اسلامی منتهی نمی شود، زیرا رژیم ولایت فقیه از اساس قابل تبدیل شدن به یک سیستم سیاسی مفید به قانون

نیست. رژیم جمهوری اسلامی، اگر می توانست، عوامل و امکاناتی خیلی بیشتر از غزات جنگی از عراق (به فرض که واقعا پرداخت شود) برای تحکیم و تثبیت خود داشت. اما چون رژیم اسلامی فاقد مشروعیت است، دلیل بر این نمی شود که دولت مهاجم تجاوز عراق از پرداخت سبهای ویرانگری های خود نسبت به دارائیها و تأسیسات متعلق به مردم ایران (که حاصل رنج و زحمت و استثمار چندین نسل و ثروت انباشته ملت ایران است) معاف گردد یا از پرداخت آن سر باز زند.

سوال دهم - اگر در شرایط کنونی عراق به ایران تجاوز کند (مانند اوایل جنگ) وظیفه آزادیخواهان ایران چیست؟ آیا آزادیخواهان ایران می توانند با رژیم اسلامی در یک صف واحد و بر علیه دشمن خارجی به نبرد بپردازند؟

پاسخ - این سوال ذهنی و مجرد از واقعیت است. آیا "در شرایط کنونی" عراق به ایران تجاوز نمی کند؟ آیا تجاوز هوایی عراق به ایران "تجاوز" نیست؟ باید از مردم بی دفاع (وسی گناه) شهرهای ایران که زیر آتش بمبهای عراق می ریزند یا به قتل می رسند و یا مثل مرغ سر بریده بر بر می زنند، بپرسید آیا این تجاوز هست یا نه؟

وظیفه این آزادیخواهان محکوم کردن تجاوز و دفاع از حقوق و منافع و مصالح ملت مستعبدیده ایران است و تلاش و کوشش برای فراهم آوردن زمینه مساعد داخلی (فدیت هر چه بیشتر مردم با ادامه جنگ) و زمینه مساعد خارجی (دخاله سازمانهای هواخواه حقوق بشر و طرفدار صلح و میانجگری کشورهای غیرمتعمد به بلوکهای نظامی و دولتهای اسلحه فروش) برای وادار ساختن دولت عراق و دولت ایران به قبول آتش بس و آغاز مذاکره به منظور دست یافتن به صلح است. جنگ عراق با ایران برای ملت ایران و ملت عراق نتیجه ای جز ویرانگری، مرگ، اسارت و عقب ماندگی اقتصادی بیشتر ندارد. باید هر چه زودتر به این جنگ ابلهانه و بی حاصل و زیان بخش پایان داد.

x x x

در پایان کلام، نقل خبر زیر را که به نظر ما بسیار پر معناست، بی مناسبت نمی دانیم. شاید توجه دقیق به محتوای این خبر بتواند اندکی ما را به شناسایی عمق سیاست دراز مدت رژیم عراق در سال ۱۹۸۱ نسبت به تمامیت ارضی ایران یاری کند:

"صدام حسین اعلام کرد به اقلیت های ایرانی کمک نظامی خواهد کرد. وی در سخنرانی خود روز شنبه گفت: ایران را باید تجزیه کرد و وقت آن رسیده است که اقلیت عرب منطقه خوزستان به حقوق ملی خود در خاک خود دست یابند. وی اضافه کرد: دولت عراق به کردهای ایران و بلوچها و آذربایجانیها کمک خواهد کرد و اسلحه در اختیار آنها خواهد گذاشت..."

(از نشریه "فاینشیتال تایمز شماره" مورخ ۱۶ مارس ۱۹۸۱)

دریغ است که آزادیخواهان واقعی ایران نه این سکات و سوابق سیاسی به اندازه کافی توجه نکنند.

سخنی پیرامون مقاله جنگ، ♦♦♦

بین المللی موجب صف بندیهائی شده است و برخی از کشورهای منافع مشن در پایان جنگ و ایجاد صلح و ثبات بستگی دارد و منافع گروهی دیگر را در آن جنگ و نتیجه ایجاد بی ثباتی در منطقه نرفته است، لطفاً بروشنی پاسخ دهید: ا) آیه جنگ بسود چه کشورهایی می باشد؟ ضرر کدایک است؟ شما حمایت شدید کشورهای چون لیبی و سوریه را از جنگ طلبی رژیم چگونه ارزیابی میکنید؟ ر این بار متوجه شما را به مصاحبه قد افی با روزنامه کویت القبس (منتشر در تاریخ ۲۰ سپتامبر ۸۵) جلب مینمائیم: "جنگ ایران و عراق وقتی پایان مییابد که صدام

... سرنگون شود." وی جنگ ایران و عراق را نشه جنگ بین اعراب و ایرانیها، بلکه "جنگ بین متحد آمریکا و دشمنان آمریکا" میخواند. آیا این موضع گیری و حمایت سوریه و لیبی از رژیم جمهوری اسلامی تصادفی است؟ در حالیکه کشورهای عرب منطقه مانند عربستان سعودی، کویت، امارات متحد عربی و... منافعشان در حمایت از رژیم عراق و خاتمه جنگ می باشد. آقای فرزاد در پایان مقاله خویش مینویسد: "پایان مطلوب این جنگ از نقطه نظر منافع بورژوازی امپریالیست مستلزم اعاده نظم بورژوازی امپریالیستی به منطقه، پایان بحران و آغاز دوره جدید انباشت سرمایه است."

مطلب فون کلی گوش پیش نیست! زیرا ایشان مشخص نمیکنند پایان مطلوب جنگ چگونه و به چه نحوی تحقق مییابد؟ و کشورهای امپریالیستی برای دستیابی به این خواست چه سیاستها و عملکردهایی را باید بکارگیرند تا به مقاصد خویش جا معمل بپوشانند؟ در این نوشته مبرخی از موارد متناقض و مبهم مقاله جنگ آقای فرزاد اشاره گشته و سوالات متعدد در این رابطه مطرح نمودیم. امیدواریم آقای حبیب فرزاد ضمن برخورد به نوشته ما در جهت روشن شدن مطلب به سوالات عنوان شده پاسخ گویند. م - بهزادی بهمن خسروی

## سخنی پیرامون مقاله جنگ، آلتراقیوها، ...

### نشریه کمونیست

باتوجه به حساس بودن مسئله جنگ که در واقع یکی از عمده ترین مسائل و معضلات کنونی کشورمان است و ارتباط آن با بقای رژیم و خطری که از ناحیه آن کل منطقه و صلح جهانی را تهدید میکند، لزوم بررسی دقیق، همه جانبه و تحلیلی صحیح در این باره از اهمیت ویژه برخوردار است. در این رابطه نشریه "آزادی ایران" از اولین شماره انتشار آن (آبان ۶۳) تا کنون کوشش نمود تا با درج مقالات و ارائه و انعکاس نظرات گوناگون و برخورد به آنان به روشن شدن مسئله کمک نماید. در ادامه این روال، وظیفه خود میدانیم تا با برخورد به موضوعی مطرح شد در نشریه کمونیست نظرات، انتقادات و سئوالات خود را در مورد مقاله فوق بیان نمائیم. امید است از این طریق نظرات صحیح راه خود را بیشتر بگشاید و واقعیات نمایانتر گردد.

درابتدای مقاله نویسند تصریح میکند: "این بدیهی است که امروز جمهوری اسلامی عامل تدویم و تشدید جنگ است. این نیز نکته بحث انگیزی نیست که جمهوری اسلامی بقاء خود را در ادامه جنگ می بیند و می سپس این سوال را مطرح میسازد که چرا جمهوری اسلامی بقاء خود را در ادامه جنگ می بیند و دلایلی را در این زمینه ارائه میدهد. ایشان در رابطه با علل شروع جنگ می نویسند:

"جنگ ایران و عراق همانطور که پیش از این گفته ایم حاصل طمعکاریهای ارضی و اقتصادی متقابل در بورژوازی منطقه ای نبود. بلکه از نیاز زکلی بورژوازی و کشورهای امپریالیستی به احیای ثبات منطقه ای پس

از انقلاب ایران سرچشمه میگرفت." اگر ما این اصل علمی و صحیح را بپذیریم که جنگ از امپریالیست بشکل قهرآمیز است، در نتیجه مدان بصورت پدیدهای مجرد و یا بلای آسمانی "نمینگریم، بلکه در درجه اول آن عوامل و سیاستهای که منجر به آغاز جنگ میگردد، باید مورد بررسی دقیق و همه جانبه قرار گیرد. زیرا بروز جنگ یک پدیده خلق الساعه و ناگهانی نمیتواند باشد و یا آنگونه که عده های مینند ارند و تبلیغ میکنند، نمیتواند از اراده و خواست شخصی و متن ناشی گردد. پس هر جنگی با توجه به زمینه و علل اساسی بروز آن و اهداف و مقاصد که در پس آن نهفته است، باید مورد ارزیابی واقع گردد. جنگ ایران و عراق نیز از این اصل کلی مستثنی نیست.

حال باید از آقای فرزاد سغوال نمائیم: شما که جنگ را ناشی از نیاز زکلی بورژوازی و کشورهای امپریالیستی میدانید، لطفاً پاسخ دهید سیاستها و عملکردهای مشخص امپریالیسم بویژه امپریالیسم آمریکا در ایجاد این جنگ و گسترش آن برای نیل به نیازهای بورژوازی و اهداف خویش چه بود؟ شما توضیح نمید دهید که چرا این نیاز به شکل جنگ ایران و عراق تبلور مییابد و بعنوان مثال بین دو کشور دیگر منطقه صورت نمیگیرد؟ آیا برای آمریکا با ضربه های که پس از سقوط رژیم شاه در ایران و منطقه متحمل گردید، بود، برپایی و تحمیل چنین جنگی در منطقه ای بسیار حساس و استراتژیک - یعنی در دهان خلیج فارس و تنگه هرمز که شاهرا و حیاتی عبور نفت به غرب مییابد - میتوانست مقرون به صرفه باشد؟ در این رابطه شما از

یکطرف منظور از برپایی جنگ را از طرف امپریالیسم، احیای ثبات منطقه ای میخواهند و سپس با توجه به تحولاتی که پس از جنگ صورت گرفته، با اشاره به دلایل و نمونه های میگویند: "اما علیرغم این تحولات بحران خاتمه نیافته و ثبات سیاسی به منطقه باز نگشته است." با توجه به آنچه که فوقاً بدان اشاره شد و نتیجه روشن گرفته میشود: اولاً آمریکا خواهان احیای ثبات در منطقه پس از "انقلاب ایران" بود. ثانیاً در شرایط کنونی با وجود تغییر و تحولات بسیار پس از جنگ ایران و عراق اوضاع منطقه همچنان بحرانی و بی ثبات است.

نویسند سپس در رابطه با خصوصیات و ویژگیهای رژیم جمهوری اسلامی بیان میکند: "این رژیم موجب تشدید تفرقه صفوف بورژوازی در کل منطقه گردید. هست، و در همین زمینه در رستمی دیگر میافزاید: "وجود بیت و بقای تا کنونی جمهوری اسلامی و حمایت ضمنی وطنی این رژیم از ایمن فراکسیونها، موجب تشدید فعالیت آنان در برابری و دستهای منطقه و عمیقتر شدن شکافهای درونی بورژوازی در منطقه گردید. است، البته ما میدانیم این خصوصیات و ویژگیهای رژیم جمهوری اسلامی، پدیدهای تازه ای نیست و یکبار ظهور نکرده است.

بلکه با توجه به ماهیت واقعی چنین رژیم و وابسته های این امر وجود داشته و در روند رویدادهای مختلف رشد و گسترش یافته است. در حالت در امور داخلی کشورهای دیگر، تحت لوای "صدور انقلاب اسلامی" اعزام عوامل رژیم به سایر کشورهای منطقه و